

زن در دو آینه

نیم نگاهی تطبیقی میان اسلام و فمینیسم

مؤلف: مسلم محمدی

هیأت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران

" قابل توجه آنکه این اثر در دهه هشتاد ناظر به اوج فضای فمینیستی در ایران و برخی سوالات و گفتگوها با دانشجویان تنظیم و تدوین شد، سپس توسط مدیریت پژوهشی آستان مقدس حضرت معصومه (س) و نشر زائر با مقدمه دکتر احمد عابدی منتشر گردید، اینک با تغییرات مختلفی در عنوان و محتوا به صورت هدیه در اختیار خوانندگان فضای مجازی و بانوان محترم ایران زمین قرار می گیرد، امید است، با نشر گسترده آن، مورد استفاده همگان و بخصوص نسل جوان قرار گیرد. ضمناً نشر مجدد آن با هماهنگی با مولف، بدون هیچ گونه حق التألیفی آزاد خواهد بود."

mo.mohammadi@ut.ac.ir

ایمیل جهت هر گونه سوال، نظر و پیشنهاد:

این اثر پیشکشی است به دو الگوی انسان ساز، یکی فخر عالم هستی حضرت زهرا (س) و دیگری زینب ثانی حضرت معصومه (س) که آنان الگوهای برتر این عالم و شفیعان عالم دیگرند.

فهرست مطالب

۷	مقدمه.....
۱۰	جایگاه زنان پیش از فمینیسم.....
۱۲	فصل اول: فمینیسم.....
۱۳	گفتار اول: مفهوم‌شناسی.....
۱۴	گفتار دوم: حرکت آغازین.....
۱۶	گفتار سوم: امواج فمینیسم.....
۱۶	موج اول: جنبش حق رأی ۱۹۲۰-۱۸۰۰ (سیاسی).....
۱۷	موج دوم: تساوی شغلی ۱۹۷۰ - ۱۹۶۰ (اقتصادی).....
۱۸	موج سوم: مخالفت با مدرنیته ۱۹۹۰ - ۱۹۷۰ (فکری - معرفتی).....
۱۹	فمینیسم پست مدرن.....
۲۱	گفتار چهارم: گرایش‌های فمینیسم.....
۲۱	الف) فمینیسم لیبرال.....
۲۲	ب) فمینیسم مارکسیستی.....
۲۳	ج) فمینیسم رادیکال.....
۲۴	د) فمینیسم سوسیالیستی.....
۲۵	ه) فمینیسم اسلامی.....
۲۷	فصل دوم: تحلیل و نقد فمینیسم.....
۲۷	گفتار اول: مبانی فمینیسم.....
۲۸	الف) سکولاریسم.....

- ۲۸..... (ب) اومانيسم.....
- ۲۸..... (ج) ليبراليسم.....
- ۲۸..... (د) نسبي گرايي اخلاقي.....
- ۲۹..... گفتار دوم: تفاوت‌های طبیعی زن و مرد.....
- ۳۲..... تفاوت‌های دوران کودکی و نوجوانی.....
- ۳۳..... تفاوت‌های دوران بزرگ‌سالی.....
- ۳۴..... تفاوت‌های اجتماعي.....
- ۳۶..... تفاوت در احساسات و عواطف.....
- ۳۷..... تفاوت در حواس و ادراکات.....
- ۳۸..... تفاوت در هوش و حافظه.....
- ۴۰..... نگاه دين به تفاوت‌های زن و مرد.....
- ۴۳..... گفتار سوم: پیامدهای عمومی فمینیسم.....
- ۴۵..... انقلاب جنسي.....
- ۴۶..... کنار رفتن دين و اخلاق.....
- ۴۷..... انحلال نظام خانواده.....
- ۴۹..... سرخوردگی و ستم به زنان و دختران.....
- ۵۰..... سقط جنين.....
- ۵۱..... ديگر معضلات اجتماعي.....
- ۵۳..... فصل سوم: کنوانسیون.....
- ۵۳..... گفتار اول: مفاد کنوانسیون.....

- مواد چالشی کنوانسیون..... ۵۳.....
- گفتار دوم: مداخله در امور کشورها..... ۵۴.....
- درباره مذهب..... ۵۵.....
- درباره مادری و همسری..... ۵۵.....
- درباره وجدان‌داری..... ۵۶.....
- در مورد اصلاح قوانین ملی..... ۵۶.....
- گفتار سوم: مخالفت‌های جهانی..... ۵۷.....
- نقد مادران آمریکا بر کنوانسیون..... ۵۸.....
- هشدار به ملت آمریکا..... ۵۹.....
- نابودی آزادی..... ۵۹.....
- تهاجم به خانواده و مادران..... ۵۹.....
- تهاجم به دین..... ۵۹.....
- تهاجم به حاکمیت ملی..... ۶۰.....
- واکنش‌ها در ایران به کنوانسیون..... ۶۱.....
- شرط تحفظ..... ۶۳.....
- فصل چهارم: اسلام و جایگاه زن..... ۶۵.....
- گفتار اول: جایگاه زن در قرآن..... ۶۶.....
- خلقت ظاهری و معنوی..... ۶۶.....
- امتیازات تکوینی..... ۶۷.....
- تساوی در اختیار و کمال‌جویی..... ۶۷.....

- تساوی در اعمال و نتایج آن ۶۸
- جایگاه اجتماعی ۶۸
- گفتار دوم: جایگاه زن در روایات ۷۳
- ستایش محبت به زنان ۷۳
- خوبی‌ها و زنان ۷۴
- لطافت روحی و جسمی زنان ۷۵
- یاران امام زمان (عج) ۷۵
- ضرورت آموزش برای زنان ۷۶
- مایه انس بودن زنان ۷۶
- مقام مادری زنان ۷۷
- گفتار سوم: متفکران اسلامی و جایگاه زن ۷۹
- الف: استاد مطهری؛ خانواده از جنس مالکیت یا وحدت ۷۹
- ب: استاد جوادی آملی، محدوده مذکر و مونث بودن ۸۱
- ج: استاد مصباح یزدی؛ مبانی اخلاقی خانواده در قرآن ۸۳
- د: دکتر شریعتی؛ چهره های سه گانه زنان ۸۴
- ه: امام خمینی، تساوی اجتماعی زن و مرد ۸۶
- تحلیل پایانی نگارنده ۸۸
- فهرست منابع ۹۳

مقدمه

نوشته حاضر نگاهی است گذرا و تطبیقی بر جایگاه زن در دو نگاه اسلام و فمینیسم. بدین منظور ابتدا تاریخچه، مبانی و پیامدهای اخلاقی و اجتماعی فمینیسم مرور می‌شود و سپس نگاهی خواهد کرد به دیدگاه اسلام درباره شخصیت و کرامت انسانی زن.

فمینیسم به عنوان فراگیرترین جنبش جهانی زنان با انگیزه رفع ستم‌هایی که در طول تاریخ بر زنان روا شده بود، آغاز و حرکتی نویدبخش در احقاق حقوق زنان به حساب آمد. فمینیسم دست‌آوردهای مثبتی در گستره تقاضاهای سیاسی و اجتماعی زنان کسب کرد؛ اما در گردباد حوادث سیاسی و اجتماعی روزگار مدرن، نه تنها زنان را از ظلمتکده تاریخ نرهانید، بلکه ستمی از سنخ دیگر را در دوران جدید بر آنان تحمیل کرد که مهم‌ترین آن بحران فروپاشی اخلاق و خانواده است.

از وجوه ممیزه ستم بر زن در دو عصر کهن و جدید، آنکه در دوران گذشته جسم زن نادیده انگاشته می‌شد؛ اما در جهان امروز، روح او به شدت آزرده شد. در دوران کهن، غل و زنجیر زن معلول بی‌سوادی و جهل بشر بود؛ اما امروز با ابزار دانایی و پیشرفت تکنولوژی، زنان به اسارت در آمده‌اند.

نتیجه آنکه زنان هیچ‌گاه به آن بهشت رویایی و موعود خود - نه دیروز و نه امروز - دست نیافتند.

پیامد رسمی و فراگیر فمینیسم، عهدنامه‌ایست با عنوان «کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان» که روح اصلی آن، کم ارج نشان دادن صفات زنانه مانند: مادری و همسری و تضاد با اخلاق و خانواده است که این خود معلول نگرش مردمآبانه به زنان بوده، که تعارض آن با آداب و رسوم دیگر اقوام و ملل، به خصوص آموزه‌های دینی و اخلاقی آشکار و مبرهن است.

بی تردید از آنجا که فمینیسم در فضای فرهنگی و رسانه‌ای کشورهای غربی، در حال تحمیل

خود به دیگر ملل و مکاتب به خصوص نسل نومی آنهاست، اگر در بوته نقد و آسیب‌شناسی منطقی

قرار نگیرد، جوامعی مانند مشرق زمین، که دارای فرهنگ‌هایی اصیل و کهن هستند، و به خصوص

کشورهای اسلامی را با چالش‌های جدی روبرو خواهد نمود.

این اثر در عین اختصار، اما به جای فضای تئوری و انتزاعی، به مخاطب خاص و پرسشگر

امروز اقبال دارد و درصدد است به سوی بی‌تابی‌ها و رفع شبهات آنان خلع‌جان یابد. دیگر آنکه

درصدد است متناسب با این نسل، در بدنه و ساختار، طرحی نو پیش گیرد که آن نیم‌نگاهی تطبیقی

و مقایسه‌ای، با تأکید بر برخی مباحث مانند: تفاوت‌های متعدد ظاهری و باطنی زن و مرد و بررسی

آماري معضلات برآمده از فمینیسم و هم‌چنین گزارشی از کنوانسیون نقی تبعیض علیه زنان است.

اما از آنجا که سخن بشر مانند خود بشر بی‌عیب و ایراد نیست و کمال خود را با تذکر و توصیه

در می‌یابد، این تحقیق نیز همچنان چشم به راه نکته‌سنجی‌ها، بیان نواقص و ارایه راه‌حل‌های شما

پژوهشگر و خواننده عزیز خواهد بود. با تأثیر از این سخن علی (ع) که فرمودند: من استقبال وجوه

الاراء عرف مواقع الخطا!

در پایان برای همسر که یاری گر من در تدوین این اثر بوده است آرزوی سلامتی و سربلندی

دارم. بخصوص که با مطالعه دقیق کتاب نکات و تذکرات مفیدی را گوشزد نمودند.

امید آن که این جستار روزنه‌ای باشد در راستای تبیینی منطقی از دو گفتمان اسلام و غرب در

حقوق و تکلیف زنان در جایگاه یک انسان نه صرفاً به عنوان جنس مونث.

و در آخر بشنو از حکیم مولوی، تا بیابی در تن کهنه نوی:

این همه گفتیم لیک اندر بسیج بی عنایات خدا هیچیم هیچ

قطره ای دانش که بخشیدی زپیش متصل گردان به دریا‌های خویش

از بهاران کی شود سرسبز سنگ؟ خاک شو، تا گل برویی رنگ رنگ

سال ها تو سنگ بودی دلخراش آزمون راه، یک زمانی خاک باش.

مسلم محمدی، هیات علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران

mo.mohammadi@ut.ac.ir

جایگاه زنان پیش از فمینیسم

از جمله عواملی که باعث شد در دوران معاصر حرکت هایی در دفاع از حقوق زنان در غرب سر و سامان یابد، را می توان در دیدگاه های منفی و عملکردهای ستم گونه مردان علیه زنان در طول تاریخ دانست، از یونان باستان گرفته تا عهد حکومت کلیسا و هم چنین در آغاز پیدایش و گسترش مدرنیسم.

در حقیقت زخم کهنه و ذهنیت منفی شکل گرفته در نزد زنان نسبت به جوامع در برهه های مختلف تاریخ، زمینه ساز قیام هایی در دفاع از حقوق آن ها شد.

مجموعه ستم های صورت پذیرفته بر علیه زنان در دو بعد نظری و مصادیق عملی قابل ارائه و بررسی است.

ابعاد نظری: برخی از ابعاد نظری که بیانگر جهان بینی انسان ها در طول تاریخ نسبت به زنان بوده و موجب ستم های متعددی بر آن ها شده است عبارت اند از:

در یونان باستان زنان را آفریده ای می پنداشتند که تنها برای خدمت به مرد و دوام نسل بوجود آمده و شخصیتی بین انسان و حیوان دارد. ۱.

سقراط فیلسوف یونان باستان بر این نظر است وجود زن بزرگترین منشا انحطاط بشریت است. ۲.

ارسطو زن را مرد ناکام می داند، که حاصل خطای طبیعت و نقص در آفرینش است. ۳.

۱. حقوق زن در اسلام و اروپا، حسن صدر، ص ۱۵.

۲. بنوات گری، زنان از دید مردان، ص ۷، که همین نظریه را در کتاب عهد عتیق نیز می بینیم سفر پیدایش، باب ۳، آیه ۱۶، که می گوید درد زایمان و ریاست مرد بر او تاوان گناه اولیه اوست.

۳. بنوات گری، زنان از دید مردان، ص ۴۵.

هم چنین از نظر او زنان محکوم به اسارت بوده و مجاز به شرکت در فعالیت‌های عمومی

نیستند. و شبیه حکومت‌های آریستوکراسی، مرد بر زن حکمرانی می‌کند. ۲.

در کتاب مقدس، حوا عامل اصلی گناه اولیه آدم و مسئول خروج وی از بهشت بود. ۳.

زن انسان درجه دوم است که این از طرف کلیسا و عالمان دینی دامن زده می‌شد. ۴.

وجود نظریه‌ها از قبیل اینکه زن موجود فرو دست است، یا اینکه آیا اصلاً زن انسان است یا

خیر؟ آیا زن مخلوق کامل خداست و یا نسخه ناقص مرد است؟ آیا مرد و زن در پیشگاه خدا

مساویند؟ ۵.

مسیحیان از بین زنان جهان، فقط حضرت مریم (س) را زنی پاک می‌دانستند، که دارای روح

جاوید است و بقیه زنان فریب‌کار و وسوسه‌گرند که آدمی باید مواظب باشد دچار فریب این

وسوسه‌گران نشود. ۶.

تولد دختر بین یهودیان ننگ است و از مردان می‌خواهند هر روز خدا را شکر کنند که آن‌ها را

زن خلق نکرده است. چه آنکه در تورات، زن را در عداد چهارپایان و اموال ذکر کرده و بین یهودیان

قدیم، پسر همیشه در نماز خود تکرار می‌کرد: «خدایا تو را سپاسگزارم که مرا کافر و زن نیافریدی.» ۱.

۱. ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۱۸۴.

۲. اخلاق نیکو ماخوس، صص ۳۱۶-۳۲۰ و به قول یکی از نویسندگان غربی این تفکر بر دیدگاه سنتی مسیحیت آشکارا اثر

گذاشت. آکین، زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب، ص ۵۹.

۳. از این رو، در تورات زن به دلیل ارتکاب گناه اولیه، به پذیرش درد زایمان و حکمرانی همسرش مجازات شد. (سفر پیدایش

۳-۱۶).

۴. این مسئله را می‌توان از برخی آیات عهد جدید مانند رساله اول پولس به قرنتیان، باب ۱۱، آیه ۱۰-۸ مشاهده کرد.

۵. در فرانسه در سال ۵۶۸ کنفرانسی برگزار شد که آیا حقیقت وجود زن از نوع انسان است یا از قماش دیگری است؟ (بنوات

گری، زنان از دید مردان، ص ۸)

۶. که این برگرفته از تعالیم عهد قدیم است که زن در بهشت مردش را فریب داده و باعث گناه ذاتی هر دو می‌شود.

و در نهایت اینکه زن برزخ میان انسان و حیوان است. ۲.

ابعاد عملی: اما نمونه‌های عملی بر علیه زنان که برگرفته از همان رویکردهای نظری پیش گفته بوده، در طول تاریخ بسیار زیاد و ظالمانه بوده است که از برخی نمونه‌های آن می‌توان این گونه نام برد: کار کردن اجباری زنان در خانه، محروم بودن از ارث و هر گونه حق مالکیت، حمل اثاث خانه و فرزندان توسط زنان در مسافرت‌ها و کوچ‌ها، اجازه نداشتن زنان برای ورود به معابد و دستیابی به مقام‌های روحانی کلیسا، محروم بودن از حق رأی (تا سال ۱۹۲۰ در آمریکا و انگلیس، زنان از حق رأی محروم بودند.)، عدم نقش در ازدواج و طلاق و دیگر مسایل مربوط به حوزه زندگی و خانواده، عدم تساوی حقوق و دستمزد زنان و مردان کارگر و اجحاف آشکار به آن‌ها، احتساب زن به عنوان کالای تجاری، در نتیجه خرید و فروش در بازارها، بدون هیچ‌گونه شخصیت حقوقی و اجتماعی، عدم حق زندگی زن بعد از وفات شوهر و عدم اعتقاد به هرگونه ارزش‌مداری زنان. که در منابع و آثار مربوطه موارد بیشتری به تفصیل طرح و ارایه شده است. ۳.

فصل اول: فمینیسم

در این فصل، ابتدا به مفهوم‌شناسی واژه فمینیسم در راستای هویت معرفتی مسئله خواهیم پرداخت، سپس حرکت آغازین طرفداران حقوق زن را پی خواهیم گرفت و در ادامه با امواج سه‌گانه فمینیسم و گرایش‌های آن به پایان خواهد رسید.

۱. از این رو در میان یهودیان زنان پس از تولد نوزاد پسر هفت روز و بعد از تولد نوزاد دختر چهارده روز نجس‌اند. (لاویان ۱۲-۵).

۲. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰۰.

۳. از جمله رجوع شود به: نظام حقوق زن در اسلام، مطهری؛ شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهریزی؛ فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، گراگلیا؛ لذات فلسفه، ویل دورانت و دو کتاب مقدس اهل کتاب انجیل و تورات.

گفتار اول: مفهوم‌شناسی

فمینیسم^۱ از ریشه «femin»، به معنای زنانه، لغتی است فرانسوی و در منابع به معنای زن و جنس مؤنث و هم‌چنین بر حالات و کیفیات زنانه اطلاق می‌شود.

این لغت از اوایل قرن نوزدهم به عنوان اصطلاحی عام برای آنچه در اروپا و آمریکا تحت عنوان جنبش زنان اطلاق شد به کار رفت.^۲

فرانسوی بودن این لغت همان‌گونه که خواهد آمد، باید بدین جهت باشد که «انقلاب آزادی زنان» ابتدا از کشور فرانسه آغاز شد و سپس به انگلستان، آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی راه یافت.

در تعریف اصطلاحی فمینیسم باید گفت منابع مربوطه تعریف واحدی از آن ارائه نمی‌دهند و حتی به خاطر تنوع گرایش‌های فمینیسمی، برخی به جای این کلمه از عبارت «فمینیسم‌ها» استفاده می‌کنند؛ اما از آنجا که رفع ظلم و تبعیض نسبت به زنان، یکی از محوری‌ترین شعارها و علت رویش و پیدایش مجموعه نگرش‌های فمینیستی بوده، همین جنبه را می‌توان وجه مشترک همه رویکردهای آن دانست.^۳ به بیان دیگر می‌گویند زنان بدلیل جنسیت گرفتار تبعیض شده‌اند.

هم‌چنین می‌توان گفت فمینیسم نظریه‌ای است که معتقد است زنان باید به فرصت‌ها و امکانات مساوی با مردان در تمام جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست پیدا کنند که معادل آن در

۱. Feminism .

۲. جگر، چهار تعلق از فمینیسم، ص ۲۰.

۳. ویلفورد نیز همین نگاه را عام‌ترین و مبنایی‌ترین تعریف از نظر گروه‌های مختلف فمینیستی ارائه می‌دهد. (ویلفورد، فمینیسم، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ص ۳۴۶).

فارسی، واژه‌هایی مانند زن‌گرایی، زن‌باوری و زنانه‌نگری است و به عنوان جنبش اجتماعی، معادل

فارسی آن می‌تواند «نهضت زنان» یا «نهضت آزادی زنان» باشد.^۱

گفتار دوم: حرکت آغازین

بنا بر منابع تاریخی فمینیسم‌پژوهی، موج جنبش اجتماعی زنان که به صورت یک مکتب پدید آمد، از قرن نوزدهم میلادی آغاز شد؛ اما قبل از این تاریخ نیز جنبش‌های پراکنده‌ای در این زمینه صورت گرفته بود. برخی آغاز واقعی حرکت اولیه فمینیسم را با انقلاب کبیر فرانسه در قرن هجدهم میلادی هم‌زمان دانسته‌اند؛ زیرا بعد از استقرار حکومت جمهوری در آنجا و نابودی نظام سلطنتی، لایحه حقوق بشر در پارلمان فرانسه تصویب شد که در آن قانون، حقوق زنان پایمال شده بود. «اولیمپ دکونگ» (از تأثیرگذاران انقلاب کبیر فرانسه) لایحه‌ای را به مجلس فرانسه پیشنهاد داد که در آن، از حق کار زنان، حقوق قانونی در خانواده، حق آزادی بیان و نیز داشتن پارلمان مستقل دفاع کرده بود. البته این لایحه تصویب نشد و موجب عقب‌نشینی پیشنهاددهندگان شد. دگونک نیز سر خود را در این راه از زیر گیوتین گذراند. در آمریکا نیز بعد از اینکه در سال ۱۸۶۶، فقط به مردان حق رأی داده شد، زنان تصمیم به مبارزه با این تبعیض گرفتند تا اینکه در سال ۱۸۹۹، «جان استوارت میل»، نظریه برابری زن و مرد را در کتاب «کنیزک کردن زنان یا انقیاد زنان» نوشت و به پارلمان انگلیس پیشنهاد داد، که جزء مکتوبات اولیه در دفاع از زنان - در جنبش مدرن فمینیسمی - به حساب می‌آید، تأکید عمده او بر این بود که زنان شایستگی‌ها و لیاقت‌های بسیاری دارند و در اثر آموزش، می‌توانند جایگاه واقعی خود را در اجتماع بیابند. همین کتاب، جهش عمده‌ای در حرکت‌های فمینیسمی و به خصوص «فمینیسم لیبرال» ایجاد کرد.

۱. کرمی، محمد، مقاله فمینیسم، مجموعه مقالات فرهنگ واژه‌ها، ص ۴۲۳.

البته قبل از ایشان «ماری ولتسن کرافت» در کتاب «استیفای حقوق زنان»، ایده انکار تفاوت‌های

ذاتی میان مردان و زنان را مطرح کرد و معتقد بود که تفاوت‌ها زاییده محیط اجتماعی، فرهنگ و

آموزش است.^۱ از این رو، فمینیسم‌ها این کتاب را که با رویکرد فوق نوشته شد، انجیل فمینیسم

می‌خوانند.

مهم‌ترین اهداف این جنبش‌ها عبارت بودند از:

۱. تلاش برای دریافت حقوق مساوی با مردان؛

این بیشتر به زنان کارگر برمی‌گردد که درخواست یکسان شدن حقوق‌ها، به عنوان نماد برابری

دو جنس، از اعتراضات آنان به حساب می‌آمد.

۲. تلاش برای نفی تحقیر زنان؛

زنان چون از گذشته‌های دور به لحاظ محروم بودن از تحصیل، محدودیت‌های کلیسا و

معادلات اقتصادی و اجتماعی، موجودی فرومایه بوده‌اند که این باعث تضييع حقوق آن‌ها می

گردید، بسیاری از اعتراضات متوجه این نوع نگرش‌های مردم‌آبانه فرهنگ‌ها و جوامع بوده است.

۳. تلاش برای کسب برابری حقوق؛

با توجه به دید ظالمانه پدران روحانی کلیسا و سیاست‌مداران غرب تضييع حقوق زنان و تثبیت

محرومیت‌های آنان که صورت قانونی به خود گرفته بود و در اکثر مسایل خانواده، ازدواج، طلاق و...

نمود بیشتری داشت، اعتراضات تجمعات زنان به این رویه نیز، سابقه‌ای طولانی دارد.

۱. کریمی، محمد، مقاله فمینیسم، مجموعه مقالات فرهنگ و آژدها، صص ۴۲۶-۴۲۵.

گفتار سوم: امواج فمینیسم

آغاز تا پایان فمینیسم دو قرن به طول انجامید که در قالب امواج سه گانه^۱ با خواسته‌هایی متفاوت سر برآورد.^۲

تقسیم‌بندی امواج سه گانه از نظر جامعه‌شناسان است و محور و ویژگی‌های این تقسیم، تاریخی بودن آن است که هر کدام از این سه موج مقطع تاریخی خاصی را در بر می‌گیرد.^۳

البته هر موج شامل گرایش‌ها و نظریات متعدد فمینیستی است

موج اول: جنبش حق رأی ۱۹۲۰-۱۸۰۰ (سیاسی)

این موج که مبتنی بر لیبرالیسم بود، معتقد بودند زنان باید از حقوق و آزادی‌های مردان^۴ به خصوص امتیازات سیاسی برخوردار باشند.

در عین حال در این مرحله، برخی انگیزه‌های چالش برانگیز مانند ستیز با نقش‌های مادری و همسری کمتر به چشم می‌خورد؛ حتی در عین باور به تساوی زن و مرد، به این نقش‌ها اعتقاد داشتند.^۵

انگیزه‌ها و علل پیدایش:

۱. feminism waves .

۲. استفاده از تعبیر موج برای اشاره به جزر و مدهایی است که در تاریخ فمینیسم پدید آمده است. (علاسوند، زن در اسلام، ج ۱، ص ۱۵۷).

۳. معمولاً فمینیسم را به دو قالب موج‌ها و گرایش‌ها تقسیم می‌کنند که اولی بیشتر ناظر به دوره زمانی و دیگری به مبانی فکری آنها ناظر است.

۴ - تاریخ‌های مورد اشاره درباره امواج فمینیسم تقریبی و حدودی می‌باشند.

۵ - چنانچه زنان در موج اول پس از ازدواج از هر گونه حق مالکیت حتی امضای قرارداد محروم بودند، و تمام مملوکات آن‌ها به شوهر انتقال می‌یافت. (مشیرزاده، حمیرا، از جنبش تا نظریه اجتماعی، ص ۴۳)

۶. جگر، چهار تلفی از فمینیسم، ص ۲۰.

۱. وجود قوانین حاکم بر کشورهای غربی علیه زنان؛

۲. حضور زنان پس از انقلاب صنعتی در کارخانه‌ها و ظلم به آنها؛

۳. نداشتن حق رأی در مسایل اجتماعی و سیاسی.^۱

اینها، مهم‌ترین انگیزه‌های پیدایش موج اول بود که از نتایج آن می‌توان به دست یافتن به حق رأی زنان در برخی از کشورهای غربی اشاره کرد. در آمریکا نیز به زنان در سال ۱۹۲۰، پس از کشورهایمانند نیوزیلند، فنلاند و انگلستان حق رأی اعطا شد. در این مرحله، کسانی همچون «فرانسیس ویلارد» در زمینه حق رأی و مبارزه با الکل کوشش فراوان کردند.

موج دوم: تساوی شغلی ۱۹۷۰ - ۱۹۶۰ (اقتصادی)

این موج که در فضای فمینیسم رادیکال (لیبرال و اصلاح طلب) سربرآورد، با شعار برابری کامل زن و مرد در تمام زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بود. شعارهای دیگر آنان عبارت بود از:^۲

تأکید بر تجرد و تقبیح ازدواج و تشویق زنان به شرکت در فعالیت‌های اقتصادی؛

۱. در سال ۱۸۶۶ میلادی، زنان انگلیس با ارسال طوماری با بیش از ۱۵۰۰ امضا به پارلمان بریتانیا، خواستار حق رأی شدند، این دادخواست زنان مورد اعتنای پارلمان قرار نگرفت؛ ولی سازمان‌دهندگان آن، سال بعد «جامعه ملی حق رأی زنان» را تأسیس کردند و اعضای آن به «هواخواهان حق رأی زنان» معروف شدند. آنان تا پایان قرن نوزدهم همه ساله به مجلس دادخواست می‌دادند. (آنتونی گیونز، جامعه‌شناسی، ص ۱۹۸).

۲. حق شرکت در انتخابات در نیوزیلند در سال ۱۸۹۳، فنلاند ۱۹۰۶ و انگلستان ۱۹۱۸ داده شد. (جیمز، فمینیسم، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ص ۸۲).

۳. زیرا آنها یکی از علل اصلی خشونت علیه زنان را استفاده از الکل توسط مردان می‌دانستند. (ر. ک: پاسنو؛ فمینیسم، راه یا بیراه، ص ۲۲).

۴. - از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ را دوره رکود و خاموشی می‌نامند و لی عملاً زمینه ساز موج دوم را فراهم کرد. (مشیرزاده، حمیرا، از جنبش تا نظریه اجتماعی، ص ۶۷) که علت رکود را در این میانه را تفرقه‌های داخلی و نامساعد بودن فضای سیاسی و اجتماعی می‌دانند. (رودگر، فمینیسم، ص ۵۴).

تأکید بر عدم پذیرش نقش‌های مادری و همسری که باعث تسلط مردان می‌شود و حذف کلیشه

های مردانه؛

تأکید بر رقابت زنان و مردان در مسایل اجتماعی؛

مبارزه با سلطه مردان بر زنان در قالب نقد پدرسالاری و مردسالاری.

در این مرحله، زنان به برخی اهداف در حوزه استقلال مالی و کاری خود دست یافتند.

شاید بتوان گفت در آن برهه، دو کتاب «جنس دوم (۱۹۴۹)» اثر «سیمون دوبوار» و «راز و رمز

زنانه (۱۹۶۳)» نوشته «بتی فریدن» که با ادبیات فمینیستی افراطی وارد عرصه شدند و نقش مادری و

همسری و بنیاد خانواده را به چالش کشیدند، بیشترین تأثیر را در پیدایش موج دوم داشتند. به

خصوص اثر سیمون دوبوار که به صراحت بحث تشابه را مطرح کرد تا جایی که بچه را یک انگل

می‌دانست که مادر می‌تواند آن را سقط کند.

در این دوره، تلاش فراوانی برای قانونی کردن حق سقط جنین در راستای حق تسلط بر بدن و

برابری در تمایلات جنسی، هم‌چنین مخالفت جدی با ازدواج و خانواده مشروع و قانونی صورت

گرفت.^۱

موج سوم: مخالفت با مدرنیته ۱۹۹۰ - ۱۹۷۰ (فکری- معرفتی)

پیدایش این موج در فضای پست مدرن و در مخالفت با نظریه‌پردازی مطلق انگاران فمینیسم

موج دوم و عام‌گرایانه مدرنیسم و با مبنای نسبی‌گرایی اخلاقی و معرفتی که خاص این دوران است

به وجود آمد؛ چرا که از نظر آنان زنان دارای هویت واحدی نیستند.

۱. به نظر برخی محققان، این حوزه انقلاب جنسی زاییده موج دوم است. (ر. ک: گرت، زن بودن، صص ۶۲-۶۱). که به نظر

می‌آید نظری واقع‌گرایانه باشد؛ زیرا مبتنی بر شواهد تاریخی متعددی است.

از این رو، جهت فهم درست موج سوم لازم است تا تبیین صحیح و منطقی از فمینیسم پست

مدرن صورت گیرد. چون موج سوم عملاً زمینه ساز فمینیسم پست مدرن شد.

از ویژگی های عمومی موج سوم تمرکز بر نهاد های فرهنگی چون نشر کتاب و مقاله و انتقاد به

ماهیت مردگرایانه علوم و مدیریت جامعه بود.

فمینیسم پست مدرن

از آنجا که پست مدرن با ارایه هرگونه دیدگاه های مطلق انگاری و عام مدرنیته، درباره زنان

مخالف است. معتقد است به تعداد زنان جهان فمینیسم وجود دارد.^۲

آنها با تأکید بر روان شناسی رفتارگرایانه و حفظ ویژگی های زنانه مانند مادری و همسری، معتقد

بودند علت فروتری زنان وجود رفتارهایی است که از بدو تولد میان دختر و پسر تفاوت ایجاد

می کند.^۳ پست مدرن ها، فمینیسم را شکل جدیدی از ستم بر زن می دانند؛ اما در عین حال، خود

ترویج دهنده فرهنگ تشابه بین زن و مرد هستند تا جایی که گفته شد هیچ جنس راستینی وجود

ندارد، فرهنگ جنس و جنسیت را می سازد و جنس یک امر مصنوعی و خیالی است؛

از جمله تفکرات آنها:

پلورالیسم معرفتی با توجه به تعداد زنان از نظر طبقه، فرهنگ، نژاد و ملیت؛^۴

۱. اگر بتوان آن را یک موج و نظریه مستقل نامید.

۲. مکنزی، مقدمه ای بر ایدئولوژی های سیاسی، ص ۳۸۳.

۳. میشل، آندره، پیکار با تبعیض جنسی، ص ۱۲۲.

۴. مشیرزاده، از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم، ص ۴۴۵.

۵. این برگرفته از شعار محوری مکتب پست مدرن است که به دنبال تکثر و تعدد ایده ها به تناسب ملیت ها و فرهنگ هاست. و

هم چنین است فمینیسم پست مدرن که به دنبال احیای مدل های متعدد فمینیستی بود.

عدم التزام به تفاوت‌های جنسیت واقعی میان زن و مرد، به علت اینکه جنسیت زمینه‌ساز بردگی

زنان در طول تاریخ بوده است!

جنسیت امری ساختگی و سیال و بلکه موهوم و غیر واقعی است، و فرهنگ‌ها هستند که

جنسیت‌ها را می‌سازند.^۲

در این مرحله، از آنجا که فمینیست‌ها اساس ستم‌های وارده بر زنان را از ناحیه وجود فرهنگ

مردسالاری می‌دانستند و عقیده‌شان بر این بود که برای نجات از این فرهنگ، باید با نگاه زنان به

جهان نگریسته شود و از جهان، تفسیری زنانه ارائه شود؛ از این رو بود که مطالعه و تحقیقات، با

رویکرد فمینیسمی آغاز شد و باعث پیدایش گرایش‌های خاص فمینیسمی مانند: فمینیسم سیاه،

فمینیسم صلح‌طلب، اکوفمینیسم، و فمینیسم اسلامی^۳ شد.

فمینیسم پست مدرن، باعث افول فمینیسم در اواخر قرن بیستم شد^۴ چه آنکه فرو کاستن این

نظریه به گستره وسیعی از نگرش‌های زنانه، بدون یک محور بنیادی و اساسی به شکست تدریجی

تفکر فراگیر فمینیسم انجامید، علاوه بر اینکه پست مدرن خود محصول تفکر مردانه است و به طور

طبیعی مبتلا به نقدهای عام بر فمینیسم است.

۱. زیرا در این رویکرد، اعتقادی به وجود زن طبیعی در مقابل مرد وجود ندارد و آن را امری سیال و متغیر می‌دانند. (همان،

ص ۴۵۱).

۲. همان، ص ۴۴۵.

۳. که پس از این خواهد آمد.

۴. از این رو، فمینیسم پست مدرن با واکنش منفی دیگر گرایش‌های فمینیستی مواجه شد.

۵. هر چند فمینیسم در قالب‌های دیگری مانند کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان ادامه حیات داد.

گفتار چهارم: گرایش‌های فمینیسم

فمینیسم در کلیت خود یک جریان و رویکرد است؛ اما با توجه به زمان، جغرافیا و فرهنگ پیدایش و تفاوت‌هایی که در مبانی فکری آنها دیده می‌شود، از تشتت و تکثر آشکاری رنج می‌برد تا جایی که برخی به جای واژه فمینیسم از عبارت فمینیسم‌ها استفاده کردند.

اما با وجود همه اختلافاتی که در گرایش‌های متعدد فمینیسمی به چشم می‌خورد، دو سؤال مشترک دارند: نخست آنکه چرا زنان در تاریخ فروتر از مردان بوده‌اند و دیگر آنکه راه‌کار نجات از این وضعیت چیست؟ که با تمام توان در صدد جواب این دو سؤال هستند.

جواب پرسش اول در اندیشه‌های فمینیستی این است که زن‌ها به خاطر جنسیت گرفتار تبعیض شده‌اند و در جواب به سؤال دوم معتقدند که با اصلاح نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، باید این فروتری را از بین برد.^۱

در حقیقت تمام گرایش‌های برآمده از دل فمینیسم با وجود تمام اختلافات، در این دو اصل اشتراک دارند یا به عبارتی، همه در این دو بنیاد اساسی هم‌عقیده‌اند.

بر اساس یک تقسیم‌بندی مشترک میان برخی صاحب‌نظران می‌توان ادعا کرد تا کنون پنج گرایش فمینیسمی^۲ سر برآورده که اگر فمینیسم اسلامی را هم به عنوان یک رویکرد مستقل بدانیم، به شش گرایش می‌رسند:

الف) فمینیسم لیبرال

اولین گرایش، فمینیسم لیبرال است و بر این اساس پدیده آمد که زنان به علت جنسیت گرفتار تیغیض‌اند^۳ مهم مبانی فکری آن‌ها را این چنین می‌توان نام برد:

۱. مکنزی و دیگران، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ص ۳۴۶.

۲. این تعداد گرایش با احتساب فمینیسم پست مدرن است که در موج‌های سه‌گانه از آن بحث شد.

لذت‌گرایی و آزادی در کامیابی؛

بی‌توجهی به نقش‌های زنانه؛

تساوی طبیعت مردان و زنان و انکار نقش جنسیتی میان آنها؛

ضرورت اصلاح قوانین و ساختارهای سیاسی و اجتماعی جامعه در راه رسیدن به جامعه برابر

زن و مرد.

از چهره‌های برجسته این نوع بینش می‌توان به «استوارت میل» نویسنده کتاب «انقیاد زنان»،

«ماری ولستن کرافت» نویسنده کتاب «استیفای حقوق زنان» و «بتی فریدان» نویسنده کتاب «راز و

رمز زنانگی» و بنیان‌گذار سازمان ملی زنان (NOW) بزرگ‌ترین و فعال‌ترین سازمان بین‌المللی زنان

اشاره کرد.

ب) فمینیسم مارکسیستی

فمینیسم مارکسیستی، ترکیبی از تفکرات فمینیسمی و مارکسیستی و با نگاه نفی سرمایه‌داری در

رسیدن به اهداف فمینیسمی سر بر آورد؛ به نظر «فردریش انگلس» (از بنیان‌گذاران این نظریه) جامعه

طبقه‌ای موجب ستم بر زنان است.^۳ مهم‌ترین شعارهای آنها چنین است:

۱. اسارت زنان معلول مالکیت خصوصی و سرمایه‌داری است که باید سرنگون شود؛

۲. جامعه مطلوب، جامعه بدون طبقه و تفاوت جنسیتی است.

۳. اصل مالکیت که امتیازی مردانه است، باعث وابستگی اقتصادی زن و فرودستی او از مردان

شده است.

۱ - لیبرالیسم چون شعار اصلی آن‌ها فردگرایی و استقلال و آزادی فرد است، محصول آن آزادی اندیشه و بیان بود و نتیجه آن که

فمینیسم لیبرال زمینه‌سازی اعتراضات زنان برای آزادی و بیرون آمدن از حکومت مردان شد..

۲. همان

۳. مجله زنان، ش ۲۸، ص ۵۱.

از شخصیت‌های آنان «رزالو گزامبورگ» از رهبران جنبش زنان کارگر لهستانی و از بنیانگذاران

آن «کارل مارکس» و «فردریش انگلس» را که در قرن نوزدهم بودند، می‌توان نام برد. انگلس در آن عصر، با نوشتن کتاب «منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت» به تحلیل علت فرودستی زنان در جوامع سرمایه‌داری پرداخت.

ج) فمینیسم رادیکال

این نظریه براساس نفی جنسیتی و مردسالاری شکل گرفته است.^۱ سیمون دوبوار در این باره می‌گوید: «طبیعت زن و مرد ندارد و هیچ انسانی زن یا مرد متولد نشده است، بلکه هویت زنانه و مردانه را در طول تاریخ کسب می‌کنند؛ از این روتقسیم وظایف به زنانه و مردانه معنا ندارد.»^۲ آرمان بنیان‌گذاران آن نابودی نظام مردسالار و تحقق جامعه فاقد جنسیت است.^۳

مهم‌ترین مبانی فکری آنها عبارت‌اند از:

ظالمانه بودن نظام مردسالاری؛

ضرورت کنار رفتن تمایزات موجود میان زن و مرد؛

ارزشمندی صفات زنانه بر مردانه؛

عدم قداست و حرمت ازدواج، خانه‌داری و بچه‌دار شدن؛

دشمنی دو جنس زن و مرد و لزوم جدایی طلبی آنها؛

^۱ - فمینیسم رادیکال متأثر از فمینیسم مارکسیست، جامعه زنان را ستم‌دیده می‌داند اما نه از نظر اقتصادی بلکه بر اساس تبعیض

جنسیتی که آن را بی‌عدالت‌ترین شکل تبعیض می‌دانند.

^۲. دوبوار، جنس دوم، ص ۶۵

^۳. مکنزی، مقدمه‌ای بر ایدئوژی‌های سیاسی، ص ۳۷۱.

عدم منشاء طبیعی و زیستی تفاوت‌های فیزیولوژیک میان زنان و مردان (بلکه معلول جبر زمانه

توسط مردان علیه زنان است).

از نظریه‌پردازان سرشناس این رویکرد، سیمون دوبوار، بنیان‌گذار موج دوم و نویسنده کتاب

معروف جنس دوم و «شولا میت فایرستون» نویسنده کتاب «دیالکتیک جنسیت»^۱ را می‌توان نام

برد.

د) فمینیسم سوسیالیستی

این گرایش منتقد و مرکب از دو دیدگاه مارکسیسم و رادیکال فمینیسم به وجود آمده؛ یعنی

سردمداران آن بر این عقیده بودند که هم نظام اقتصادی سرمایه‌داری و هم جنسیتی پدرسالارانه علت

ستم و سرکوب زنان است.

از نظر آنها، تا زمانی که زنان برابری اجتماعی بدست نیاورند کسب حقوق برابر بی‌معناست.^۳

از جمله دیدگاه‌های آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. ضرورت برجیده شدن دو نظام مردسالاری و سرمایه‌داری به صورت هم‌زمان؛

۲. مخالفت یا تقسیم زندگی به دو عرصه عمومی و خصوصی و مشاغل به زنانه و مردانه و قرار

گرفتن زنان در دسته دوم؛

۳. مخالفت با تقدیس جنبه‌هایی مانند ازدواج، مادری و همسری.

از نظریه‌پردازان آنها «هایدی هارتمن»^۱ و هم‌چنین «جولیت میچل» انگلیسی نویسنده کتاب

«جایگاه طبقاتی زن» است که او هم مردان و هم سرمایه‌داران را سوداگران ظلم به زنان می‌داند.^۲

۱ - همجنس‌گرایی میان زنان نیز از جمله شعارهای فمینیسم رادیکال است که امروزه کاملاً مشروعیت یافته و نوعی ازدواج رسمی

ذر برخی کشورها به حساب می‌آید.

۲ که کتابش را به سیمون دوبوار تقدیم می‌کند.

۳. همان، ص ۳۷۴.

۵) فمینیسم اسلامی

فمینیسم اسلامی براساس قرائت پست مدرن و راهی میان شریعت‌مداری و فمینیسم غربی است. این گرایش، از فمینیسم در کشورهای اسلامی، به ویژه در میان دگراندیشان ایران پدید آمد که حدود دو دهه از عمر آن می‌گذرد.

علت پیدایش این گرایش چنین بود که گروهی از زنان ایرانی، به جهت فرار از گرایش‌های مارکسیستی و به دلیل شکست در مبارزه با انقلاب اسلامی به جنبش‌های زنانه پیوستند و ایده خود را با ایجاد تشکل‌های مدافع زنان ادامه دادند. به خصوص اینکه زنان ایرانی دارای گرایش‌های دینی قوی بودند و به خاطر عدم ایجاد حساسیت، راه نفوذ به دل آنها را در قالب پسوند اسلامی به فمینیسم طرح‌ریزی کردند.

این جریان که بر مبنای تفکرات سکولاریستی شکل گرفت، اسلام فقاهتی را با توجه به اینکه مراجع همه مرد بودند، اسلام مردسالارانه می‌خوانند و معتقدند که باید پیرایه‌های مردسالارانه را از شیوه‌های اجتهادی بزدایم، بخصوص که از نگاه آن‌ها قرآن بر اصل برابری تمام افراد بشر تاکید دارد از این رو حکومت یک جنس بر جنس دیگر معنا ندارد.

آنها اسلام امروزین را اسلام غیرحقیقی می‌شمارند و معتقدند انسان‌ها باید با درک مصلحت و مفسده احکام، خود در هر زمانی به وضع و جعل احکام بپردازد. آنان با اصرار بر تساوی حقوق زن و مرد در خانواده، خواهان نفی مدیریت مرد در خانه‌اند.^۳

^۱ - اقتصاددان آمریکایی که در کتاب هایش به نقد سرمایه داری و مرد سالاری بر وضعیت زنان می پردازد.

^۲ - هر دو نوع فمینیسم مارکسیست و رادیکال از منتقدان فمینیسم سوسیال می باشند، علاوه بر اینکه تمام انتقادهای وارد بر هر دوی

این ها، می تواند بر این گرایش نیز وارد باشد.

^۳. معصومی، فمینیسم در یک نگاه، صص ۵۶-۵۳.

از نظر آنها دین‌داری الزاماً به معنای حاکمیت دین در شئون اجتماعی بشر نیست و سکولاریسم

جای‌گزین شایسته‌ای برای دین‌داری است؛ از این رو دفاع از حقوق زنان، از هیچ‌الگوی ثابتی تأثیر نمی‌پذیرد!

از جمله مبانی آن‌ها اومانیسم اسلامی، عدالت عرفی، تساوی و برابری جنسی، اینکه جنسیت امری طبیعی است نه فرهنگی، تسری آزادی به مفهوم لیبرالی آن می‌باشد.

آنها با طرح مساله فمینیسم اسلامی در پی این اهداف هستند:

تفکیک میان دین‌داری و دین‌باوری؛

اصرار بر رویکردهای سکولاریستی و انحصار دین به مسایل عبادی؛

آزادی هرمنوتیکی در برداشت از مفاهیم دینی مربوط به زنان؛

ارایه نسخه بومی و متناسب با عقاید دینی، در عین حال مبتنی بر مبانی فمینیسمی؛

تأکید بر تشابه و تساوی حقوق زن و مرد و نفی مدیریت مرد در خانواده.

نفی حجاب اجباری و آزادی فراگیر برای زنان در ارتباط آزادانه با مردان

البته باید یادآوری کرد که ادعای فمینیسم اسلامی از اساس به تناقض می‌انجامد؛ زیرا اسلام از

پایه این نوع نگرش به زن را بر نمی‌تابد و نگاه اسلام به زن، بر جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص خود

مبتنی است. هر چند از نگاه پژوهشگران حوزه زنان در متون دینی این ظرفیت وجود دارد که بدون

بهره‌گیری از فمینیسم از حقوق زنان دفاع کرد.^۱ هرچند برخی رفتارهای ناشایست ما مسلمانان

متأسفانه زمینه ساز ذهنیت منفی در این باره می‌گردد.

۱. توحیدی، نیره، فمینیسم اسلامی، صص ۱۰۶ و ۱۰۸.

۲ - زیبایی نژاد، درآمدی بر فمینیسم، ص ۳۸

مهم ترین افراد مدافع و نظریه پرداز فمینیسم اسلامی عبارتند از: نیره توحیدی، افسانه نجم

آبادی، پروین پایدار، هاله افشار، ژیلا شریعت پناهی و هاله پناهی که بیشتر در خارج از کشور

زندگی می کنند.

فصل دوم: تحلیل و نقد فمینیسم

در این فصل مجموعه تحلیل و نقدهای (مستقیم و غیر مستقیم) وارد بر فمینیسم در چهار

دسته بررسی خواهد شد.

ابتدا مبانی فکری و بنیادین فمینیسم طرح خواهد شد. سپس تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در

علوم تجربی و دین به تفصیل خواهد آمد. در ادامه پیامدهای عمومی فمینیسم مورد بحث قرار می

گیرد، و در پایان به صورت دقیق‌تر وضعیت زن و خانواده در نگاه آمار طرح و بررسی خواهد شد.

گفتار اول: مبانی فمینیسم

اصول جهان‌بینی و معرفت‌شناسی فمینیسم، منشأ پیدایش و پیامدهای چالش‌برانگیزی بوده است،

از این رو در این گفتار به اهم بن‌مایه‌های فکری فمینیسم و نتایج متأثر از آنها، به صورت مختصر

پرداخته خواهد شد:

الف) سکولاریسم

سکولاریسم که بر مبنای دنیازدگی، دین‌زدایی و نفی حکومت دینی که نتیجه آن جمله معروف انجیل است که مال قیصر را به قیصر واگذارید و مال خدا، را به خدا باعث پیدایش رویکردهای زیر شد:

کنار رفتن اصول اخلاقی مربوط به مادری و همسری؛

مخالفت با حقوق و تکالیف اختصاصی زنان، مانند: ارث و دیه؛

ب) اومانیزم

اومانیزم که در حقیقت مبنایی‌ترین تفکر در دنیای غرب است، انسان مادی و زمینی را معیار و مقیاس همه چیز می‌داند که لازمه آن پیدایش این تفکرات است:

عدم توجه به حقیقت علوی و روحانی انسان به عنوان موجودی خدایی و آسمانی؛

مبنا بودن لذت‌گرایی جنسی و هدف قرار دادن شادمانی و عدم حرمت هر نوع روابط زن و مرد؛

تلاش برای کسب موافقت دین با خواسته‌ها و هوای نفسانی و حیوانی انسان.

ج) لیبرالیسم

مبنای این نظریه آزادی و اصالت فرد است که نتایج زیر را در پی خواهد داشت:

پیدایش رویکرد تساهل، تسامح و حاکمیت امیال؛

آزادی‌بخشی بی‌مبنا به زنان از نظر مدیریت اجتماعی؛

حاکمیت اراده شخصی و انتخاب بی‌قید و شرط.

د) نسبی‌گرایی اخلاقی

در این نگرش هیچ اصل و قانون اخلاقی مطلق و ثابتی که در همه زمان‌ها و مکان‌ها و بین همه

افراد و جوامع قابل تمسک باشد وجود ندارد و نتایج فمینیسمی آن عبارت است از:

فردگرایی و عدم توجه به حقوق دیگران، مانند: حق حیات برای جنین؛

اصالت دادن به صفات مردانه، در حالی که ویژگی مردان خود متغیر و غیر ثابت است؛

بی توجهی به اصول ثابت اخلاقی و الهی غیر متغیر.

بی اعتنائی به اخلاق الهی و اینکه اصل بر روابط آزاد زن و مرد است و صحبت از عفاف و حیا

میان زن و مرد با روح فمینیسم ناسازگار است.

بی توجهی به اصول اخلاقی در میان نظریه پردازان این جنبش به خوبی آشکار است. ماری

ولتسن کرافت که به اولین زن آزادی خواه و برابری طلب اروپا معروف است، خود به یک زندگی

نامشروع تن داد که نتیجه آن فرزند نامشروع بود که باعث جدایی او با شریکش شد و به همین

دلیل، تصمیم به خودکشی گرفت که اطرافیان او را نجات دادند. سیمون دوبوار نیز که او را با عنوان

پایه گذار اولیه فمینیسم محسوب می کنند، با «زان پل سارتر» که او نیز از نظریه پردازان این تفکر است،

زندگی غیرقانونی و بدون ازدواجی را بنیان نهادند.^۱

گفتار دوم: تفاوت های طبیعی زن و مرد

از جمله مسایل اساسی در پژوهش های مربوط به حوزه زنان، تحقیق درباره تفاوت های طبیعی

میان زن و مرد است. چه آنکه با توجه به تفاوت های طبیعی جسمی و روحی زن و مرد، کارکردهای

آنان نیز متفاوت خواهد بود و عدالت نیز در ادبیات دینی، قرار گرفتن هر چیز در جایگاه خویش

است که در غیر این صورت مصداق ظلم خواهد بود.

فمینیست ها، با نگاه تشابه کامل، زن را با کشاندن به فضای مردانه به ستیز با خود کشانده اند که

چرا نباید من همانند مردان زندگی کنم و بیندیشم؟ حال آنکه شکستن هویت اختصاصی زن و مرد و

کشاندن آنها به گستره هم دیگر برخلاف بداهت و حتی فهمی است که از کودکی برای آنان حاصل

۱. رجبی، کتاب نقد شماره ۱۱ «زنان و فمینیسم»، صص ۱۷۲-۱۵۱.

شده است؛ زیرا آگاهی از هویت جنسی، به منزله مرد یا زن بودن به صورت ناقص و ناخودآگاه از

۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی در بچه‌ها شکل می‌گیرد.^۱

پیگیری بحث در منابع علمی، حاکی از تفاوت‌های متعدد میان دو جنس زن و مرد است. همان چیزی که پیشرفت علوم تجربی مانند روان‌شناسی فردی و اجتماعی، زیست‌شناسی و پزشکی نیز بر صحت آن مهر تأیید می‌زنند که فمینیسم‌ها نیز نتوانسته‌اند در مقام انکار برآیند. از نظر علمی، هر سلول بدن انسان از ۲۳ جفت کروموزم تشکیل شده است که ۲۲ جفت آن مشترک، ولی یک جفت آن در زن «XX» و در مرد «XY» است. کروموزم «Y» باعث می‌شود جنین پسر باشد و متفاوت با الگوی دختر رشد کند و باعث تولید غدد مردانه شود؛^۲ از این رو، گفته شده زن جنس پایه و مرد جنس فرعی است؛ زیرا کروموزوم «X» عنصر اصلی موجودیت انسان است و انسان با کروموزوم «Y» که مردانه است به وجود نمی‌آید. پس کروموزوم‌های زنانه برترند؛ زیرا کروموزوم‌های «X» به کروموزوم‌های «Y» نیاز ندارد. در حالی که کروموزوم‌های «Y» به کروموزوم‌های «X» نیاز دارند.

از دیگر تفاوت‌های روشن و مؤید اکتشافات علمی اینکه هورمون‌های جنسی نر، باعث رفتارهای خشن، تهاجمی و رقابت و درگیری می‌شوند و هورمون‌های جنسی ماده، آرام‌بخش و باعث رفتارهای صلح‌جویانه می‌شوند.^۳ هم‌چنین مؤسسه کنیزی، بزرگ‌ترین نهاد پژوهشی در زمینه جنسیت، در تحقیقات خود نشان داده که میل به ارتباط با زنان متعدد، در مردان قرار داده شده که

۱. اسکوتی و انصاری، هویت، ص ۱۲۱.

۲. در همین راستا کتابی با عنوان «زن و مرد: XX-XY» اثر «الیزابت بداتر» توسط «شیوا رضوی» ترجمه شده که نشر دستان تهران چاپ کرده است.

۳. گنجی، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، صص ۱۹۰-۱۸۹.

۴. همان، صص ۱۹۲-۱۹۰.

۵. حسینی، زن، ص ۱۲۴.

۶. سیف و دیگران، روان‌شناسی رشد ۱، ص ۳۴۳.

این، نکته‌ای بااهمیت برای بقای نسل تلقی شده.^۱ حتی موضوع وابستگی زن به مرد و استقلال‌طلبی

مرد امری طبیعی است؛ چرا که مرد توان جسمی بیشتری دارد، از سوی دیگر زن از طرد شدن و انزوا

هراس دارد و نیاز به محبت، وفاداری و درک از جانب طرف مقابل دارد.^۲

نویسندگان مقاله تبعیض جنسی معتقدند که آنچه را پدران در رابطه با فرزندان‌شان باید بیاموزند،

مادران به طور طبیعی دارا هستند.^۳

اینها دلیل روشنی است که اصرار برخی‌ها بر اینکه تفاوت‌ها، تنها خاستگاه تربیتی دارند درست

نیست؛ بلکه ریشه در زمینه‌های زیستی دارند. هم‌چنین مدارک زیست‌شناختی این نگاه را که در قرن

بیستم تفاوت آنها را مربوط به شرایط اجتماعی می‌دانست به طور قاطعانه رد کرده و ثابت می‌کند

هورمون‌ها و برنامه‌ریزی مغز مسئول اصلی رفتارها، حالات و سلیقه‌هاست.^۴

در نهایت، سخن پزشک معروف فرانسوی «الکسیس کارل» می‌تواند مؤید خوبی در این باره

باشد. او در اهمیت توجه به تفاوت‌ها در کتاب معروف خود «انسان موجود ناشناخته» می‌نویسد:

«نباید پرورش روحی و نوع زندگی دختر و پسر را با یک فرمول انجام داد. اشخاصی که تعلیم و

پرورش اطفال را بر عهده دارند، باید متوجه این موضوع باشند که چون وضع ساختمانی جسمی و

روحی دختر و پسر با هم فرق‌های زیادی دارد، در پرورش و طرز تغذیه آنها نیز باید تفاوت‌های

۱. آلن و باربارا، پس چرا مردان به حرف زنان گوش نمی‌دهند و چرا زنان زیاد حرف می‌زنند و بد پارک می‌کنند؟ صص ۲۹۶-

۲۹۴.

۲. گری، مردان مریخی و زنان ونوسی، صص ۶۰-۵۹.

۳. بازیس، و ریچارد، تبعیض جنسی، ص ۳۵.

۴. زیبایی‌نژاد، هویت و نقش‌های جنسیتی، صص ۵۷-۵۶.

۵. حقگو، تفاوت‌های ساختارهای مغزی زن و مرد و تأثیرهای شناختی آنها، (مجموعه مقالات جنسیت از منظر دین و

روان‌شناسی)، ص ۳۶.

زیادی قابل شد. بین زن و مرد، اختلاف زیاد موجود است و به همین نسبت محیط‌های خارجی نیز،

باید در هر مورد این تفاوت و اختلاف‌ها را از نظر دور نداشت.^۱

ضرورت پردازش به این مسئله قبل از ورود به بحث پیامدهای عمومی و آماری فمینیسم، در

راستای قضاوت و برداشت منصفانه درباره رویکردهای فمینیست‌هاست؛ زیرا باید دید آیا با این همه

تفاوت میان این دو گروه چگونه می‌توان وحدت در رفتار و حالات آن‌ها را توقع داشت؟^۲

فهم درست تفاوت‌های جنسیتی، منوط به گزارش تبارشناسانه و تفکیک شده در این باره است. در

بسیاری از منابع، تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، غالباً در دو گروه تفاوت‌های جسمی و روانی به چشم

می‌خورد.^۳ در این تحقیق تلاش شده تفاوت‌ها در عناوین و زیرشاخه‌های متعددی پی گرفته شود.

تفاوت‌های دوران کودکی و نوجوانی

رشد جسمی دختران در بدو تولد، در زمان راه افتادن و در هنگام بلوغ، زوتر از پسر بچه‌هاست؛

دختران زودتر از پسران به سخن می‌آیند؛

دختر بچه‌ها در مقایسه با پسر بچه‌ها چربی بیشتری دارند؛

استخوانی شدن و تشکیل دندان در دخترها سریع‌تر از پسرهاست؛

۱. کارل، انسان موجود ناشناخته، صص ۶۵-۶۴.

۲. البته نباید از نظر دور داشت که با توجه به اختلاف نظرهایی که گاه در آرای علمی و تجربی در مسئله تفاوت‌ها به چشم

می‌خورد، می‌رساند که برخی از این فرق‌ها می‌تواند قابل خدشه و مناقشه باشد؛ اما کلیت مسئله به هیچ نحو قابل انکار یا

توجیه نیست. در کتاب «شخصیت و حقوق زن در اسلام» اثر «مهدی مهریزی» در فصل مرتبط به تفاوت‌های زن و مرد،

بحثی در این باره طرح شده است که می‌توانید برای کسب اطلاعات بیشتر به آن کتاب مراجعه کنید.

۳. تفاوت‌های طبیعی و جنسیتی زن و مرد، به صورت پراکنده و نه کامل و دسته‌بندی دقیق، در منابع متعددی آمده است؛ جهت

مطالعه برخی مباحث تحلیلی و آشنایی با منابع اولیه، به این آثار مراجعه شود: ۱- هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه

مقالات)، به کوشش محمدرضا زیبایی‌نژاد؛ ۲- روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، حمزه گنجی؛ ۳- زن، سیدهادی حسینی و

همکاران؛ ۴- شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهدی مهریزی؛ ۵- جنسیت از منظر دین و روان‌شناسی (مجموعه مقالات

جمعی از نویسندگان در همایشی با همین عنوان).

دخترها زودتر از پسرها می‌نشینند، می‌خزند و راه می‌روند؛

مقاومت دختران در مقابل حوادثی مانند جدایی یا فوت والدین، بیشتر از پسران است؛

دختران بیش از پسران مستعد ناهنجاری‌های دوران رشد از قبیل ابتلا به فلج مغزی هستند؛

دخترها در ادای کلمات و مهارت‌های خواندن و سخنوری موفق‌ترند؛

لکنت زبان در دختربچه‌ها چند برابر کمتر از پسربچه‌هاست؛

پسرها از همان دوران نوزادی فعالیت فیزیکی بیشتری دارند؛

به طور متوسط جنین پسر در رحم مادر زودتر از جنین دختر رشد می‌کند؛

نوزاد پسر بلندتر و سنگین‌تر از نوزاد دختر است؛

پس از دو ماهگی نیاز پسربچه‌ها به کالری بیش از دختربچه‌هاست؛

پسرها از آغاز جنینی و نیز پس از آن، در برابر فشارها و بیماری‌ها از دخترها آسیب‌پذیرترند؛

پسرها رشدشان دیرتر از دخترها متوقف می‌شود؛

پسرها پس از بلوغ رشد ماهیچه‌ای دارند؛ اما این رشد در دخترها دیده نمی‌شود؛

دوره استراحت قلب در هر ضربان در پسرها کوتاه‌تر از دخترهاست؛

پسران اسکلتی حجیم‌تر، شش و قلبی بزرگ‌تر دارند؛

تفاوت‌های دوران بزرگسالی

مرد به طور متوسط درشت‌اندام‌تر است و زن کوچک‌اندام‌تر؛

مردان معمولاً بلندقدتر و زنان کوتاه‌قدترند؛

رشد عضلانی مرد و نیروی بدنی او از زن بیشتر است؛

مغز مرد به صورت متوسط از مغز زن بزرگ‌تر است؛ ولی با در نظر گرفتن نسبت مغز به مجموع

بدن، مغز زن از مغز مرد بزرگ‌تر است؛

رشد بدنی زن سریع‌تر و رشد بدنی مرد کندتر است؛

ریه مرد قادر به تنفس هوای بیشتری از ریه زن است؛

مرد دیرتر از زن از نظر تولید مثل از کار می‌افتد؛

وزن نسبی مردان کمتر از زنان است؛

زنان از کودکی به انواع بیماری بیشتر مبتلا می‌شوند و در برابر بیماری‌ها نیز مقاوم‌تر و کمتر از

مردان آسیب‌پذیرند؛

مردها اکسیژن بیشتری در خون دارند و مقدار متابولیسم زنان کمتر از مردان است؛

مرگ و میر مردان بزرگ‌سال بیش از زنان است؛

بیماری آلزایمر در زنان رایج‌تر است؛

چشمان مردان بزرگ‌تر؛ اما به علت بزرگ‌تر بودن سفیدی چشم زنان، دایره دیدشان وسیع‌تر

است و می‌توانند در یک لحظه چیزهای بیشتری در میدان دید قرار دهند و سیگنال‌های مختلف

بصری را ارسال و دریافت کنند.

تفاوت‌های اجتماعی

مردان چه از نظر فیزیکی و چه کلامی، پرخاشگرت‌تر از زنان‌اند که این از دوسالگی آشکار

می‌شود؛

به خاطر ترس و کم‌رویی، دخترها کم‌تر به کارهای مخاطره‌آمیز اقدام می‌کنند؛

روحیه مرد مبارزه‌جویانه و خشن و احساسات زن صلح‌جویانه و نرم است؛

زن از توسل به خشونت در مورد خود و دیگران پرهیز می‌کند؛

۱. براساس آمار، طول عمر زنان بین چهار تا ده سال و به طور متوسط حدود هفت سال بیش از مردان است. (هاید، روان‌شناسی

زنان، ص ۲۴۶).

مرد متجاوزتر و غوغاگرتر و زن آرام‌تر و ساکت‌تر است؛

میل مرد به ورزش، شکار و کارهای پرحرکت و جنبش بیشتر از زن است؛

زن از مرد محتاط‌تر و خوش‌سلیقه‌تر است؛

گرایش به دین و مسایل معنوی در میان زنان بیش از مردان است؛

مردها بیشتر به مادیات گرایش دارند؛

توانایی‌های زبانی و استعدادهای کلامی در جنس زن بیش از مرد است؛

زنان بیش از مردان از به کار گرفتن کلمات منفی عفت پرهیز دارند؛

گفت و گو و تبادل نظر در پسران بیشتر برای انتقال پیام است؛ اما در دختران بیشتر ابزاری برای

ارتباط عاطفی و همدلی است؛

مردها وقتی که پیر می‌شوند احساس بدبختی می‌کنند، چون تکیه‌گاه خود یعنی کارشان را از

دست می‌دهند؛ اما زنان مسن احساس رضایت می‌کنند، چون بهترین چیزها را - از نظر خودشان -

یعنی خانه و چندین نوه دارا هستند؛

علاقه زن به خانواده بیشتر از مرد است و این احساسات مادرانه از دوران کودکی در او نمودار

است؛

زنان به روابط گروهی و ایثارگرانه تمایل بیشتری دارند؛

دختران در بازی‌های گروهی کمتر از پسران به وضع قوانین تمایل دارند؛

۱. تفاوت‌های زن و مرد در دین‌داری و معنویت، در مقاله‌ای با عنوان معنویت و جنسیت اثر ناصر آقابابایی و حجت الله فراهانی

در کتاب جنسیت از منظر دین و روان‌شناسی، (مجموعه مقالات)، به تفصیل بحث شده است.

۲. در یک مطالعه، پسران پنجاه مرتبه بیشتر از دختران حالت رقابت نشان دادند؛ در حالی که دختران بیست برابر بیشتر

هم‌صحبتی و مشارکت را برگزیدند. پسران بیش از دختران در بازی‌های بی‌قاعده، شلوغ و آسیب‌زننده مانند: کشتی و جنگ

شرکت می‌کنند. (حفگو، تفاوت‌های ساختارهای مغزی زن و مرد و تأثیرهای شناختی آنها، مجموعه مقالات جنسیت از منظر

دین و روان‌شناسی، ص ۷۹).

خوش‌بختی از نظر مرد به دست آوردن مقام و احترام در اجتماع است؛ اما خوش‌بختی برای یک

زن به دست آوردن قلب یک مرد و نگهداری او برای تمام عمر است؛

جنس مذکر عصبانیت خود را به صورت خشونت‌های فیزیکی اعمال می‌کند؛ اما جنس مؤنث به

شکل مقاومت منفی، هم‌چون قهر و کینه‌توزی و... ظاهر می‌سازد؛

احساس هم‌دردی دختران در مقابل ناراحتی‌های دیگران بیش از پسران است؛

زنان به اصولی چون: نظافت، ادب، وقار، جدیت و اطاعت پای‌بند هستند؛

زنان با از دست دادن همسر بیش از مردان ناراحت می‌شوند؛ اما مردان چون امکان ازدواج مجدد

برای خود می‌بینند، کمتر نگران می‌شوند.

تفاوت در احساسات و عواطف

احساسات زن از مرد جوشان‌تر است؛ از این رو، زن زودتر تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرد؛

زن نسبت به مرد سرد مزاج‌تر است؛

زن از مرد رقیق‌القلب‌تر و احساسات او بی‌ثبات‌تر از مرد است؛

مرد بیشتر از زن قدرت کتمان راز دارد و اسرار ناراحت‌کننده را درون خود حفظ می‌کند؛ به

همین دلیل ابتلای مردان به بیماری ناشی از کتمان راز بیشتر از زنان است؛

زن به زینت و زیور، جمال و آرایش و مدهای مختلف علاقه دارد؛

مادران به طور طبیعی با بچه‌های خود زیادتر صحبت می‌کنند. به صدای بچه‌ها حساس‌ترند و با

شنیدن صدای بچه‌ها، غدد شیری آنان تراوش می‌کند؛

۱. این از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین تفاوت‌های زنان و مردان است که خود موجب نتایج و پیامدهای متعددی می‌شود که بسیاری

از موارد یاد شده در این تحقیق از جمله آن است.

گستره منطقه‌ای مغز زنان که هنگام درگیری با خاطرات غم‌انگیز فعال می‌شود، هشت برابر

مردان است و احتمالاً علت چند برابر بودن افسردگی در زنان همین باشد؛

عواطف مردان در نیم کره راست مغز و عواطف زنان در هر دو نیم کره پراکنده است؛

دختران به توانایی، استعداد و پیشرفت پسران و پسران بیشتر به ظاهر و جاذبه‌های جسمی

دختران توجه می‌کنند؛

زنان آسان‌تر از مردان گریه می‌کنند؛

تفاوت در حواس و ادراکات

حساسیت پوستی جنس زن از همان بدو تولد بیشتر است و با نوازش بدنی نشاط روانی

می‌یابد؛

زنان حس بینایی قوی‌تری دارند و پیرامون خود را دست‌کم تا ۴۵ درجه از چپ، راست، بالا و

پایین می‌بینند؛

مردان تنها قادر به توصیف رنگ‌های اصلی قرمز، آبی و زرد هستند؛ اما زنان می‌توانند رنگ‌های

شیری، نیلی، ارغوانی، بنفش و سدری را نیز توصیف کنند؛

حس شنوندگی زنان از مردان قوی‌تر است؛ از این رو بیشتر صحبت می‌کنند؛^۳

زنان در تشخیص جهت صدا از مردان قوی‌ترند؛

۱. بعد از ازدواج نیز پسران اول به بُعد جسمی و سپس ابعاد عاطفی و اجتماعی توجه می‌کنند و دختران برعکس آنها هستند.

(لطف‌آبادی، روان‌شناسی رشد ۲، ص ۹۵).

۲. حساسیت پوستی زن نسبت به لمس و فشار، ده برابر بیشتر از مردان است که در مسایل جنسی نیز تأثیر فراوانی دارد.

(حسینی، و همکاران، زن، ص ۴۳).

۳. چون گفته می‌شود که مردان فقط از نیم‌کره چپ مغزشان استفاده می‌کنند، اما زنان هر دو نیم‌کره را به کار می‌گیرند.

حس چشایی زنان، معمولاً در تشخیص شیرینی و ترشی و مردان در شوری و تلخی بیشتر

است؛

حس بویایی زنان در مجموع تیزتر است.^۱

تفاوت در هوش و حافظه

مردان در آزمون‌های ناظر به استعدادهای بصری - فضایی از زنان پیشی می‌گیرند؛

با ورود به دوران نوجوانی، پسرها در آزمون‌های استدلال ریاضی از دخترها جلو می‌افتند؛

زن در علوم استدلالی و مسایل خشک عقلانی ضعیف‌تر، ولی در ادبیات، نقاشی و سایر مسایل

که به ذوق و احساسات مربوط است، چه بسا برتر از مرد است؛

مردها در پردازش اطلاعات فضایی و ریاضیات، به ویژه در هندسه تجسمی و کشف و

نوآوری‌های علمی و صنعتی موفق‌ترند؛

مردان در دریافت و شناخت مفاهیم انتزاعی برتری دارند؛

زنان در استفاده هم زمان از دو نیم‌کره از مردان تواناتر هستند، به همین دلیل دو نیم‌کره مغز در

آنها تخصصی نیست و مغز مردان اطلاعات را مرتب‌تر دسته‌بندی می‌کند؛^۲

دختران کوچک در حدس زدن آنچه دیگران فکر می‌کنند یا می‌خواهند و یا انجام می‌دهند، از

پسران جلوترند؛

درک زنان در فهم ارتباطات غیرکلامی، مانند: تغییر چهره، تن صدا و دیگر تغییرها بهتر از مردان

عمل می‌کنند؛

۱. به خصوص در دوران عادت ماهیانه و بارداری حساس‌تر است. (باربارا و آلن پیز؛ چرا مردان گوش نمی‌دهند و زنان

نمی‌توانند نقشه بخوانند؟، ص ۵۱).

۲. همین امر از سطح تمرکز و دقت زنان در مسایل عمیق و پیچیده می‌کاهد. (هاید، روان‌شناسی زنان، ص ۱۹۱).

دختران در یادگیری زبان خارجی و امور ظریف مقدم بر پسران هستند؛

دختران در حافظه و هوش اجتماعی از پسران جلوتر هستند؛

اینها نمونه‌هایی از تفاوت‌های زن و مرد بود که تا به امروز علوم بشری به آن دست پیدا کرده است. بدون شک در آینده باید منتظر دست‌یابی به موارد دیگری از تفاوت‌های جسمی میان آن دو بود. عدم توجه به این تفاوت‌ها، چه از سوی زنان و چه از سوی متفکران، حاکمان و مدیران جامعه، به انقلاب جنسی و عدم مسئولیت‌پذیری هر کدام از طرفین خواهد انجامید.

کاهش جذابیت زن و مرد برای هم‌دیگر، کم شدن انگیزه‌های تشکیل خانواده، افزایش تک‌زیستی، تزلزل ساختار و اثرگذاری خانواده و افزایش طلاق از جمله پیامدهای عدم توجه به هویت جنسی متفاوت زن و مرد است.^۱

به گفته یکی از نویسندگان غربی، اگر زنان و مردان در مورد تفاوت‌های بیولوژیکی آگاه نشوند و هر کدام از آنان انتظارات و توقعات خود را برتر از دیگری بدانند، روابطشان شکاف برمی‌دارد. بخش اعظم اضطراب‌ها در روابط به این تفکر غلط برمی‌گردد که زنان و مردان برابر هستند و نیاز و آرزوهای یکسانی دارند. برای اولین بار در تاریخ بشریت، به پسران و دختران می‌آموزیم که هر دو برابرند و توانایی‌های برابر دارند. وقتی بزرگ شدند، متوجه می‌شوند که مثل شب و روز با هم فرق دارند؛ از این رو، جای تعجب نیست که جوانان این قدر در روابط و ازدواج‌شان، مشکل دارند. هر طرحی که اساس آن، تفکر برابری جنسیت است، بر زمینی سست و بی‌ثبات بنا شده است.^۲

برخی دیگر از پیامدهای کم‌رنگ شدن مرزهای جنسیتی عبارت‌اند از: کم‌رنگ شدن حیا و عفاف در زنان و غیرت در مردان، کنار رفتن اصول ثابت اخلاقی و مصالح اجتماعی، عدم اجازه

۱. بدانترا، عصر تشابه جنس‌ها، مجله زنان، ش ۴۸، صص ۲۶۷-۲۴۹.

۲. پیس، آلن و باربارا، چرا مردان به حرف زنان گوش نمی‌دهند و چرا زنان زیاد حرف می‌زنند و بد پارک می‌کنند؟، ص ۲۸۳.

جوانان اروپایی جهت وضع قوانینی که شادکامی آنها را محدود کند. هم‌چنین همجنس‌گرایی، روابط جنسی میان محارم، تغییر مطالبات زنان به سمت مطالبات مردانه، افزایش بیماری‌های مختلف، به ویژه اضطراب و افسردگی و افزایش تخاصمات و کاهش کارآمدی در خانه و اجتماع.^۱

نگاه دین به تفاوت‌های زن و مرد

نه تنها منابع علمی حاکی از تفاوت‌های جنسیتی است، بلکه دین در عین تأکیدهای فراوان بر تساوی و اشتراک انسانی و معنوی زن و مرد، بیانگر تمایزهای گوناگون میان آنها است.^۲ این مسئله از آیات قرآن نیز قابل دریافت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: زن و مرد هر کدام خصوصیات ویژه‌ای دارند:^۳ <للرجال نصیب مما اكتسبوا و للنساء نصیب مما اكتسبن... > هم‌چنین در نهج‌البلاغه سه صفت تکبر، ترس و بخل بدترین صفت مردان و بهترین از برای زنان شمرده شده است.^۴

غیرت فقط به مردان داده شده است (غیرت زنان برخاسته از حسادت است)؛

زنان بیش از مردان حیا می‌ورزند (از ده جزء حیا، نه جزء آن در زنان قرار داده شده)؛

زنان در مقایسه با مردان در برابر ارضا نشدن مقاوم‌ترند؛

مردان از نظر استدلال منطقی از زنان تواناترند؛

۱. ر. ک: زیبایی‌نژاد، هویت و نقش‌های جنسیتی، صص ۱۱۴-۱۱۲.

۲. جهت پیگیری تحلیلی بحث راز و رمز تفاوت‌ها در آموزه‌های دینی و آشنایی با مصادیق بیشتر و منابع روایی مربوط به تفاوت‌های تکوینی رجوع شود به کتاب‌های: هویت و نقش‌های جنسیتی، محمدرضا زیبایی‌نژاد، صص ۹۸-۶۵؛ زن در اسلام، فریبا علاسوند، ج ۱، صص ۸۰-۶۲ و در تفاوت‌های مربوط به احکام شرعی رجوع شود به مقاله تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در علوم تجربی و دین، حمید کریمی (مجموعه مقالات جنسیت از منظر دین و روان‌شناسی، صص ۱۱۴-۱۰۱).

۳. کلمه اکتساب مفهوم وسیعی دارد. هم‌کوشش‌های اختیاری را در بر می‌گیرد و هم آنچه مربوط به ساختمان طبیعی هر کدام از زن و مرد است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۶۴).

۴. نساء (۴)، آیه ۳۲.

۵. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۶.

مردان از نظر تعقل بر زنان برترند؛

مردان از نظر قوای جسمی قوی‌ترند؛

صبر و تحمل زنان بیش از مردان است و در هنگام بارداری توان او دو برابر می‌شود؛

جهاد و میدان رزم ویژه مردان قرار داده شد (جهاد زنان، شوهرداری نیکو و تحمل بدخلقی

همسر است)؛

دختران از کودکی سرشار از احساس و عاطفه‌اند که تا دوران مادری و بزرگسالی ادامه دارد؛^۱

زنان توانایی کافی در امور حکومتی و نظامی را مانند مردان ندارند.

آنچه آمد، نمونه‌هایی اندک از آموزه‌های اسلام در تفاوت‌های طبیعی و جنسیتی میان زن و مرد

است. به فرموده امام صادق علیه‌السلام، تفاوت‌ها خود دلیل نظم و تدبیر در صنع خداوند است. آن

حضرت در حدیث معروف مفضل در تفاوت خلقت زن و مرد می‌فرماید: «اینکه در صورت مرد مو

می‌روید و در زن چنین نیست، علت آن است که مرد را سرپرست زن و زن را سبب توجه مرد قرار

داده است. به مرد محاسن عطا کرد تا سبب هیبت و شکوه او گردد و آن را از زن برداشت تا باعث

شادابی و زیبایی صورتش شود و زمینه روابط زناشویی را فراهم کند.»^۲

علامه طباطبائی، احساسات لطیف زنان را ناظر به جنبه‌های فیزیولوژیکی، مانند: کوچک‌تر بودن

اندازه مغز زنان و ضعیف‌تر بودن قلب، شریان‌ها، اعصاب و عضلات آنان در مقایسه با مردان مرتبط

می‌داند.^۳

۱. در روایتی آمده ابراهیم نبی (ع) از خداوند دختری طلب کرد تا پس از مرگ بر وی بگرید و عزایش را گرم نگه دارد. (عاملی،

وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۶۱).

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۸.

۳. طباطبائی، زن در قرآن، ص ۵۵.

در امور اجتماعی نیز، اسلام تأکید دارد توان و ویژگی‌های هر کدام از زن و مرد را در واگذاری

امور به آنان باید در نظر گرفت و مسئولیت به آنها سپرد. نمونه آن، تقسیم کار میان حضرت علی

علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام در اختصاص امور داخل و بیرون خانه به آن دو است که مورد

توافق و رضایت آنان هم بوده است.

این داستان در عین تأکید بر تفکیک جنسیتی امور میان زن و مرد، می‌رساند فعالیت زنان در

بیرون از خانه ممنوع نیست، بلکه مشروط به رعایت عفاف و حجاب از نظر دین مجاز شمرده شده؛^۲

همان‌گونه که در سوی دیگر، کار کردن مرد در خانه به خصوص با نگاه تعاون و کمک به همسر،

مورد تأکید و ستایش است و در سیره خانوادگی حضرت علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه

علیها‌السلام نیز مشهود است.^۳

می‌توان گفت تأکید روایات به فراهم کردن برخی کارهای رقابتی برای پسران، توجه به

روحیات عاطفی و توان جسمی دختران و زنان^۴ و یاد دادن اصول خانه‌داری به آنها؛^۵ پرهیز زنان و

مردان از تشبه به هم‌دیگر در پوشش،^۶ برشمردن وظایف مردانه و زنانه برای هر کدام، مانند: تمکین

۱. عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۲.

۲. در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است که طلب روزی حلال بر مرد و زن مسلمان واجب است. (شعیری، جامع الاخبار،

ص ۱۳۹) یا به آن زن عطفروش سفارش می‌کند زمانی که چیزی می‌فروشی، نیکو معامله کن. (شیخ صدوق، من لایحضره

الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۲).

۳. عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۹.

۴. در روایات آمده به پسران خود شنا و تیراندازی بیاموزید. (عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۵ و ۴۸۱).

۵. کلینی، کافی، ج ۵، صص ۲۸ و ۵۱۰ و ۵۱۲، صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲؛ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۸.

۶. در برخی روایات آمده به دختران خود بافندگی بیاموزید. (عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۷۶).

۷. عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۱.

زن از مرد، خودآرایی زن برای مرد،^۱ سفارش به نیکو شوهرداری کردن زنان^۲ و از سوی دیگر

مدیریت مرد بر زن،^۳ دلیل رسمیت داشتن نظام و تفکیک جنسیتی در اسلام است. زیرا وجود زن

مبتنی بر لطافت جسمی و ظرافت احساسی است و این ویژگی در وظایف اجتماعی وی موثر است.^۴

گفتار سوم: پیامدهای عمومی فمینیسم

رویکردهای یگانه‌انگارانه جنبش‌های فمینیستی باعث کشاندن زنان به فضای مردانه و در نتیجه

بی‌توجهی به کرامت انسانی آنها شد. چه آنکه براساس تجربه، سالیان بعد از پیدایش جریان فمینیسم،

زن‌ها با ورودشان به دنیای مردانه از چاله‌ای به چاهی افتادند و جامعه بشری به ناهنجاری‌های

متعددی، به خصوص در شکست حرمت مادری و همسری دچار شد که بحث پیامدهای منفی پیش

رو نیز تا حد زیادی مؤید همین مطلب است.

فمینیسم با توجه به اینکه یک گرایش آرمان‌گرایانه با رویکرد زنانه بوده و در بستر سیاسی،

اجتماعی و معرفتی خاصی مبتنی بر مبانی انسان‌محورانه سر برآورد، در کنار برخی نتایج مثبت که

نوعاً محدود به دوره زمانی کوتاهی بودند، عواقب ناگوار و جنجالی فراوانی را به دنبال داشت.

ابتدا تأکید بر این نکته ضروری است که نیت و انگیزه قیام‌های اولیه زنان، مثبت و خیرخواهانه

بوده است؛ زیرا هدف رفع تبعیض و ستم‌های ناروایی بوده که در طول تاریخ با بی‌عدالتی تمام بر

زنان به عنوان انسان درجه دوم صورت گرفته است. خصوصاً اینکه معتقد بودند این نابرابری‌ها

اصالت ندارد، چرا که این اصل مورد تأیید همه منصفان و حق‌گرایان عالم است که تبعیض بین زن و

مرد به عنوان دو جنس متفاوت، از نظر شخصیت و انسانیت امری مذموم و ناپسند می‌باشد.

۱. اعراف (۷)، آیه ۱۸۹؛ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۵۷.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۶.

۳. نساء (۴)، آیه ۳۴.

۴. طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص ۲۷۱.

در مجموع، برخی از ویژگی‌های مثبت فمینیسم را می‌توان سعی در از بین بردن تبعیض‌ها و

ستم‌های ناروای جنسیتی، مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان، برخورداری از حق مالکیت و استقلال اقتصادی و اعتماد به نفس زنان برای حضور در صحنه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و ارتقای سطح علمی، فرهنگی و هنری آنان دانست.

اما در ادامه، این وضعیت به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد تا جایی که به قول «برتراند راسل»

انقلاب صنعتی در درجه اول موجب شد که زن نیز صنعتی شود، آن هم تا بدان پایه که بر همه نامعلوم بود و هیچ کس خواب آن را هم ندیده بود. زنان کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان، آنان را بر مردان سرکش سنگین قیمت ترجیح می‌دادند. در سال ۱۸۸۲ میلادی، قانونی در مجلس عوام بریتانیای کبیر وضع شد که زن‌ها پولی را که به دست می‌آوردند، می‌توانستند برای خود نگه دارند. آنها با این کار می‌خواستند زنان را به کارخانه‌ها بکشانند. از آن سال تا به حال، سودجویی مقاومت‌ناپذیری آنان را از بندگی و جان‌کندن در خانه رهانیده و گرفتار جان‌کندن در کارخانه و مغازه کرده است. این لایحه باعث شد که مادر بزرگ‌های صاحب‌لنگه کفش یا روسری خود بشوند. و در حقیقت این لایحه به خاطر توجه به زن‌ها نبوده بلکه به خاطر انقلاب صنعتی و هم‌چنین مقاصد جنسی بوده است.^۱

در نهایت آنکه این جنبش که با انگیزه و نیت خیرخواهانه حرکت کرد و تا اندازه‌ای نیز

موفقیت‌هایی به دست آورد، زمانی که مسیر افراط و تندروی را اتخاذ کرد، دچار عواقب منفی و پیامدهای سوء متعددی شد که از جهات مختلف مورد نقد و واکنش دیگر ملل و مکاتب قرار گرفت.

۱. ویل دورانت، لذات فلسفه، صص ۱۶۸-۱۵۱.

در این فصل به بعضی از عواقب و نتایج منفی فمینیسم که یا به صورت مستقیم نتیجه آن بوده یا

اینکه فمینیسم هیچ تأثیر مثبتی در روند سوء پیشین آنها نداشته است، در قالب چند عنوان کلی طرح می‌شود.^۱

انقلاب جنسی

معادله‌ای نامناسب میان جایگاه زن و مرد در این جنبش صورت پذیرفت، زن‌ها به سوی مردمابی و مردها به سمت بی مسئولیتی نسبت به خانواده و فرزندان خویش حرکت کردند. کارولین می‌نویسد: «اکنون مردی از نوع دیگر ظهور کرده است؛ مرد زن‌صفتی که مایل به ازدواج و داشتن فرزند نیست. چنین مردانی بدون هیچ‌گونه توجیه منطقی از زیر بار مسئولیت ازدواج و تشکیل خانواده شانه خالی می‌کنند.»^۲

از آنجا که پیامدهای فمینیسم بیشتر متوجه زنان بوده، برخی از نتایج آن را در این باره مرور می‌کنیم:

فرار از مرز زن‌گرایی و تبدیل شدن فمینیسم به جنبش مبارزه با مرد که باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی متعددی شده است؛ تقلید افراطی زنان از مردان در کارهای ویژه اجتماعی که آنان را به مردانی ناقص تبدیل کرده است؛

ظاهر شدن زنان فمینیسمی با ظاهری متفاوت، مانند: موهای کوتاه مردانه، کفش بدون پاشنه، کت و شلوار زمخت و چهره بدون آرایش؛

۱. در آثار مختلف مربوط به نقد فمینیسم، پیامدها نظری و عملی به بار آمده از آن را مورد بحث قرار داده‌اند. مراجعه شود به: کتاب نقد شماره‌های ۱۲، ۱۷، ۲۹؛ بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی، کلامی و آثار عملی فمینیسم، اثر جمعی از نویسندگان و فمینیسم، نرجس رودگر.

۲. گراگلیا، آرامش در خانه فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۵.

ملاک قرار دادن چهارچوب و اصل فمینیسم براساس حقوق مردان، در حالی که مردان نیز در

غرب به حق واقعی خود دست نیافته‌اند؛ چون هر دو تحت سیطره استکبار و نظام سرمایه‌داری قرار دارند؛

حضور زنان در ارتش و جبهه‌های جنگ که خود فجایع زیان‌باری را به دنبال داشته است؛

دفاع بد از زنان با نگرش مردمان‌بانه که این نگاه، خود اذعان به برتری مردان بر زنان است.

اخلاق نان‌آوری که مردان را به ازدواج، کسب و کار آبرومند و حمایت از همسر و فرزندان خود

ترغیب می‌کرد و باور عمومی جامعه این اخلاق را تأیید و مورد تأکید قرار می‌داد، از دهه هفتاد قرن

نوزدهم تغییر کرد. او مردی شد که ازدواج را تا میان‌سالی به تعویق می‌انداخت و از زنانی که باید از

نظر مالی متکی به او شوند اجتناب می‌کرد، مردی که خود را وقف لذت‌جویی‌های خویش می‌نمود.^۱

کنار رفتن دین و اخلاق

جنبش فمینیسمی، بر این باور استوار است که آمیزش جنسی یک رابطه مکانیکی صرف، بدون

هیچ معنای نمادین یا بعد اخلاقی است.^۲

از جمله نتایج بی‌اخلاقی انقلاب فمینیست‌ها می‌توان موارد زیر را برشمرد:

عدم توجه به کرامت و شخصیت زن به عنوان یک انسان و مخلوق خدا؛

بردگی زنان با رواج تجارت و قاچاق زنان و استفاده ابزاری از چهره، اندام و صدای زن در

تبلیغات سیاسی و تجاری؛

تجویز معاشقه با زنان به سادگی و بی‌هیچ ضابطه‌ای؛

۱. همان، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۱۷.

جدایی از مذهب و بی‌اعتنایی به احکام الهی و اینکه هر نوع گرایش به دین و اخلاق، موجب

تضییع آزادی فردی می‌شود؛

انکار ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی که موجب رواج فساد، فحشا و بی‌بند و باری اخلاقی شده

است.

شایسته است در اینجا نظر یکی از پزشکان انگلیسی را در پایان یکی از سمینارهای مبارزه با

ایدز بیان کنیم. نظر او بر این است: «برای اینکه جهان امروز از بیماری ایدز نجات یابد و یا با آن به

مبارزه برخیزد، باید مرزهایی که دین اسلام بین زن و مرد قرار داده است مراعات شوند و از

آمیختگی بی‌حد و مرز زنان و مردان جلوگیری به عمل آید.»^۱

انحلال نظام خانواده

ویلسون می‌گوید: ما ثروت‌مند شده‌ایم؛ اما این پول نیست که بنیان زندگی اجتماعی را می‌سازد،

بلکه خانواده است. این روزها بنیان خانواده سست شده و در نتیجه هر بنایی هم بر این بنیان ساخته

شود، سست است.^۲

برخی از آثار سوء فمینیسم در حوزه خانواده از این قرار است:

ازدواج‌های غیرقانونی و نامشروع، طلاق‌های مکرر، تولد فرزندان نامشروع و فروکاستن روابط

خانوادگی زن و مرد در حد روابط غریز جنسی؛

پست‌انگاشتن نقش‌های زنانه، مانند: زایش، تربیت فرزندان، تدبیر منزل و تنظیم امور خانواده؛

۱. معین الاسلام و طیبی، روان‌شناسی زن در نهج البلاغه، ص ۲۴۶.

۲. فمینیسم و حقوق زن، ص ۴۶. به نقل از هنری مکو، فمینیسم زنان را از مهر پدر محروم می‌کند، ترجمه افسانه آزادی، ج ۱،

افزایش طلاق نسبت به ازدواج در کشورهای پیشرفته. مثلاً در آمریکا از هر دو ازدواج، یکی به

طلاق می‌انجامد؛

گسترش معضل تک‌والدینی که یک چهارم کودکان برخی از کشورهای صنعتی را تشکیل

می‌دهد؛

فروپاشی خانواده به عنوان پایگاهی مطمئن و تسکین دهنده روح و روان؛

پرداختن یک سویه و افراطی به برخی از ارزش‌های از دست رفته زنان، مانند: حق مالکیت، حق

رای و مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که موجب غفلت یا از بین بردن ارزش‌های واقعی

زنان، مانند: مادری و همسری شده است؛

زایمان در سنین بالا، فن‌آوری تولید مثل یا پدیده مادران میانجی (قرار دادن نطفه، به صورت

اجاره رحم زنان نامحرم) و کودکان سر راهی؛

اشتغال والدین و گریز از مسئولیت‌های عاطفی و تربیتی و پرورش نسلی آسیب‌پذیر،

خشونت‌گرا، غیراخلاقی و ناهنجار؛

معرفی خانواده به عنوان فحشای عمومی و عامل بدبختی زن و جای‌گزین کردن نظریه زوج آزاد

و هم‌زیستی مشترک، بدون هیچ‌گونه تعهد و مسئولیتی میان زن و مرد برای آزادی مطلق آنها

(سوسیالیسم جنسی)؛

کاهش نرخ رشد جمعیت در بسیاری از کشورهای غربی، در نتیجه بحران کاهش جمعیت به

خاطر تحقیر نقش مادری و آسیب‌پذیری نهاد خانواده.

پژوهش‌های علمی در آمریکا نشان می‌دهد بین میزان افول خانواده‌های سنتی و آمار و ارقام

فرایند آسیب‌های اجتماعی، یک رابطه قوی وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

دو برابر شدن جرم و جنایت از سال ۱۹۶۰ تاکنون؛ یازده برابر شدن نرخ جرایم و خشونت؛

صد در صد افزایش قتل‌ها از سال ۱۹۶۰ تاکنون؛

صد در صد افزایش روی‌آوری جوانان به جرم و جنایت از سال ۱۹۶۰ تا کنون؛

سه برابر شدن جمعیت زندانیان بزرگسال از سال ۱۹۸۰ تاکنون؛

استفاده بیش از ۳۹ درصدی کودکان دوازده تا سیزده سال از مواد مخدر؛

صد در صد افزایش فقر در زندگی کودکان از سال ۱۹۷۰ تاکنون.^۱

سرخوردگی و ستم به زنان و دختران

فمینیسم در بسیاری از اهداف پیش‌بینی شده، مانند رسیدن به استقلال اقتصادی و کسب موقعیت‌های برتر شغلی زنان شکست خورد. امروزه براساس آمارهای سازمان‌های بین‌المللی، زنان فقیرترین افراد جامعه بشری هستند که هم از چاله عدم دسترسی به سرمایه‌ها بیرون نیامد. و هم به چاه از دست دادن واقعیت‌های عاطفی و تربیتی افتاده‌اند. این شکست موجب سرخوردگی زنان و دختران و نومیدی روزافزون آنان شد.

نمونه‌هایی از عدم دستیابی فمینیست‌ها به اهداف‌شان را می‌توان چنین برشمرد:

عدم سوق زنان به سوی علم و دانش که نمود آن کمتر شدن پزشکان زن از سال ۱۹۱۰ به بعد

است؛

اخراج هزاران زن از کار و تعلق دستمزد پایین‌تر از مردان و خطری که برای زنان مستقل و

مجرد دارد؛

افزایش آمار ستم بر زنان و خشونت، به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته؛

پیدایش مشکلاتی هم‌چون: خودکشی دختران جوان و روی آوردن به روسپی‌گری؛

گرایش دختران به خشونت و اقدامات مجرمانه؛

۱. سروریان، افول خانواده در امریکا و انگلیس، صص ۲۱۱-۲۱۲.

تهدید روزافزون زنان و مورد حملات جنسی و تجاوز به عنف قرار گرفتن که این معلول شیوه

خاص لباس پوشیدن و آزادی‌های بی حد و حصر آنهاست؛

حضور زنان در شغل‌های پست، مانند: خدمات خانگی، رخت‌شویی، تولید وسایل تزئینی یعنی

مشاغلی که معمولاً مردان در آنها فعالیت نمی‌کنند؛

محروم شدن دختران از بسیاری تخصص‌ها که به پسران داده می‌شود؛

در شمار اموال قرار دادن زنان و جزء حقوق عرف حساب کردن آزار و اذیت آنان در بعضی از

کشورها که قبل از جریان فمینیسم نیز وجود داشته است؛

ایجاد احساس افسردگی و ناامیدی بین زنان و دختران جوان بعد از ارتکاب اعمال نامشروع و

غیراخلاقی و فریب خوردن از مردان در عدم پذیرش ازدواج، علی‌رغم وعده‌هایی که قبل از

ارتباطات داده می‌شد و فرزندان بی‌پدری که فقط زحمات طاقت فرسایش برای مادران باقی می‌ماند.

سقط جنین

آزادی سقط جنین در انگلستان در سال ۱۹۶۷، در ایالات متحده در سال ۱۹۷۳، در فرانسه در

سال ۱۹۷۵ و در ایتالیا در سال ۱۹۷۸ به صورت رسمی اعلام و آزاد شد!

آزادی سقط جنین موجب شد که زنان با استفاده از دستگاه‌های پیشرفته مدرن، به انتخاب نوع

فرزند اقدام کنند. در این میان، جنس دختر بیشتر در معرض فنا قرار گرفت. هم‌چنین شعار آزادی

زنان که از دهه شصت قرن نوزدهم فراگیر شد، زمینه آزادی دختران را بیش از پیش فراهم کرد، سن

ازدواج را بالا برد و سن آغاز روابط جنسی را پایین آورد!

۱. میشل، جنبش زنان فمینیسم، صص ۱۱۸-۱۱۹.

۲. زیبایی‌نژاد، و سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، صص ۱۳۱-۱۳۰.

دیگر معضلات اجتماعی

دستورهای الهی در روابط اجتماعی و خانوادگی، بر توازن حقوق و تکالیف است؛ در حالی که آنچه امروز بر روابط زن و مرد در فرهنگ سکولار حاکم است، حق‌خواهی یک طرفه است و این برخاسته از نگرش انسان‌محوری است که داریم بر حقوق انسان، بدون تکالیف تأکید می‌کند.^۱

عدم رفع ستم بر زنان، بلکه چهره عوض کردن و رخ نمودن با نقابی دیگر؛ به قول «هاچسترتون»: «زنان قبلاً مورد شکنجه و رفتار ناشایست قرار می‌گرفتند؛ ولی وضع آنان هیچ‌گاه به اندازه امروز که رقیب اداری مردان اند رقت‌بار نبوده است.»

پیدایش بیماری‌های روحی جدید، خصوصاً بین زنان مجرد به دلیل تنهایی ناشی از استقلال‌طلبی؛ بتی فریدان می‌گوید: «زنان امروز دچار بحران و مشکلات جدیدی شده‌اند که فاقد هرگونه اسمی است.»

عدم امکان صدور حکم واحد برای معضلات گوناگون زنانه، بدون توجه به شرایط فرهنگی، مذهبی و رسوم، هم‌چنین تنوع ستم‌های روا شده بر زنان و تفاوت حقوق آنها در جوامع مختلف؛

«ویلیام گاردنر» در کتاب «جنگ علیه خانواده» برخی از معضلات کلان در این حوزه را برمی‌شمارد که از این قرارند: دولت رویاروی خانواده سنتی با مثلث پدر، مادر و فرزند؛ حضور زنان در میدان جنگ و عرصه‌های نظامی؛ ورود نوزادان و کودکان به مهد کودکها و فراگیر شدن طاعون هم‌جنس‌بازی و سقط جنین یا نسل‌کشی نامرئی.^۲

به نظر می‌آید با توجه به آنچه از پیامدهای فمینیسم گذشت و آنچه در فصل بعد درباره وضعیت زن و خانواده از نگاه آمار ارایه می‌شود به دست خواهد آمد که این رویکرد نه تنها نمی‌تواند نسخه

۱. جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۴۳.

۲. جهت مطالعه تفصیلی معضلات، رجوع شود به کتاب یاد شده.

آرامانی نجات زنان از انبوه مشکلات باشد، بلکه در مقام مقایسه جفاهای دوران گذشته بر زنان با دوران مدرن، بدون شک نشانگر آن است که ستمهای امروز بر دیروز فزونی دارد؛ زیرا انسان بدوی اگر ظلمی در حق زنان می نمود، محدود به پدر یا شوهر یا یکی از مردان عضو خانواده یا قبیله بود؛ اما امروزه شخصیت زنان از سوی حکومت‌ها و در سطح کلان و همه‌جانبه مورد تحقیر و توهین قرار می‌گیرد.

فصل سوم: کنوانسیون

«کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان» نتیجه و محصول دوران‌های مختلف فمینیسم است که در ۱۸ دسامبر سال ۱۹۷۹ میلادی (۲۷ آذر ۱۳۵۸ شمسی) از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد گذشت و در سپتامبر سال ۱۹۸۱ لازم‌الاجرا شد. از آن زمان تا امروز کشورهای زیادی با فشار سازمان ملل به این کنوانسیون پیوستند.

مجموعه مباحث مربوط به کنوانسیون در چهار مبحث مفاد و محتوا، مداخله در امور کشورها، مخالفت‌های جهانی با کنوانسیون و در نهایت نگاه اسلام به آن طرح و بررسی خواهد شد.

گفتار اول: مفاد کنوانسیون

این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده است که مهم‌ترین مواد اختلاف‌برانگیز آن، ۱۶ ماده اول آن می‌باشد.

طی چند سال گذشته پس از تصویب رسمی کنوانسیون، چند کنفرانس مهم جهانی در تبلیغ و ترویج آن برگزار شده که محل و سال‌های برگزاری آن عبارت‌اند از: مکزیکوسیتی ۱۹۷۵، کپنهاک ۱۹۸۰، نایروبی ۱۹۸۵، پکن ۱۹۹۴ و نیویورک ۲۰۰۰. مهم‌ترین هدف آن‌ها در کنار تبیین مفاد کنوانسیون، روش‌های تضمین اجرای آن بوده است.

مواد چالشی کنوانسیون

۱. ضرورت تساوی و برابری زنان و مردان در همه شئون؛
 ۲. عدم توجه به تفاوت‌ها در امر قانون‌گذاری و وضع قوانین مساوی و برابر در همه شئون
- برای مردان و زنان به عنوان تنها راه رفاه، عدالت و آزادی برای زنان؛

۳. از بین بردن هرگونه مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در کلیه سطوح و اشکال مختلف

آموزشی از طریق تشویق به آموزش مختلط؛

۴. تلاش برای نفی هرگونه تبعیض شغلی و حرفه‌ای علیه زنان و تضمین حقوق مشابه برای

آنها.

در حقیقت وجه مشترک همه مواد فوق و بلکه روح کنوانسیون نفی هر نوع تبعیض است، از

این رو کنوانسیون در ماده یک، تبعیض را بسیار وسیع به کار می‌برد که عبارت است از هرگونه

تمایز (Distinction)، استثناء (Exclusion) و یا محدودیت (Restriction) براساس جنسیت که

نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن (Impairing) و یا لغو (Nullifying) شناسایی، بهره‌مندی، و یا

اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی و

هر زمینه دیگر در مورد زنان بدون توجه به وضعیت تأهل و براساس تساوی زن و مرد است.

گفتار دوم: مداخله در امور کشورها

کنوانسیون پا را فراتر از صرف تنظیم و ارایه یک عهدنامه گذاشته و تاکنون بسیاری از کشورها

را در حوزه مسایل حکومتی به خاطر عدم پای‌بندی به برخی مفاد عهدنامه مورد توبیخ قرار داده

است؛ زیرا کشورهای عضو هر چهار سال یک بار موظف هستند گزارشی از پیشرفت مفاد کنوانسیون

به کمیته مربوطه کنوانسیون در سازمان ملل ارایه دهند. کمیته نیز تذکرات لازم را در موارد تخلف به

آنها می‌دهد.

آنچه در پی خواهد آمد، مواردی از تذکرات کنوانسیون به برخی کشورها در عدم پای‌بندی به

برخی مفاد عهدنامه است.^۱

درباره مذهب

ایرلند: نفوذ کلیسا در رفتارها و نقش‌های کلیشه‌ای و نیز در سیاست‌های رسمی دولت مورد نقد

قرار گرفت.

لیبی: تفسیر قرآن مجید باید از دید مفاد کنوانسیون مورد بازنگری قرار گیرد.

چین: ابراز نگرانی از معاف دانستن امور فرقه‌ها و فرامین مذهبی از مفاد کنوانسیون شده است.

کرواسی: نفوذ سازمان‌های مرتبط با کلیسا بر سیاست‌های دولت درباره زنان مانع اجرای کامل

مفاد کنوانسیون است.

درباره مادری و همسری

ارمنستان: چرا در این کشور هدیه مادر و روز مادر که نقشی سنتی است حذف نشده است.

ایرلند: از نگاه کلیشه‌ای نسبت به نقش زن در خانه و به عنوان مادر در قانون اساسی این کشور

انتقاد شد.

اسلونی: چرا تمام کودکان در مهد کودک‌ها نگهداری نمی‌شوند و برخی از آنها توسط مادران

نگه‌داری می‌شوند.

کرواسی: اولویت بخشیدن به حمایت از زنان در دوران بارداری، باعث پررنگ شدن نقش‌های

کلیشه‌ای و سنتی و محدود شدن آنان خواهد شد.

۱. برخی از موارد توصیه به کشورها در کتاب نقد شماره ۳۱ صص ۲۰۲-۱۷۴، توسط مریم شاعری ترجمه و تنظیم شده است.

جهت مطالعه فهرست کامل تذکرات کمیته به کشورهای متخلف که فراوان نیز هستند، به نشانی زیر مراجعه شود:

اسپانیا: چرا اکثر زنان شاغل به صورت نیمه وقت در بازار کار فعال هستند که می‌تواند به تداوم

رفتارها و وظایف سنتی در قبال خانواده از سوی زنان بینجامد.

بلاروس: به خاطر ادامه رواج امور جنسیتی مانند روز مادر و جایزه مادر انتقاد شد.

جمهوری چک: حمایت از حاملگی و مادری و بازنشستگی پیش از موعد زنان با نفی نقش‌های

کلیشه‌ای منافات دارد.

قرقیزستان: از انحصار نقش‌های سنتی مانند مادری و همسری به زنان ابراز تأسف شده است.

درباره وجدان‌داری

کرواسی: در برابر مخالفت برخی بیمارستان‌ها برای انجام سقط جنین به سبب مخالفت‌های

وجدانی از سوی پزشکان ابراز نگرانی شد.

ایتالیا: به علت امکانات محدود سقط جنین برای زنان در جنوب این کشور که در پی

مخالفت‌های وجدانی از سوی پزشکان و پرسنل بیمارستان‌ها صورت گرفته.

زیمبابوه: از امتناع کارکنان بهداشت جهت ارائه خدمات تنظیم خانواده به نوجوانان فعال در

مسایل جنسی انتقاد کرد؛ هرچند هیچ‌گونه محدودیت قانونی وجود ندارد.

در مورد اصلاح قوانین ملی

اروگوئه، چک، ازبکستان و استونی: مصرانه از این کشورها خواسته شده تا تعریف تبعیض علیه

زنان را در قانون اساسی و سایر قوانین ملی و داخلی طبق ماده یکم کنوانسیون بازننگری کنند.

فیجی: به دلیل عدم وجود تعریفی از تبعیض علیه زنان یا حق مراقبت‌های بهداشتی در قانون

اساسی مورد بازخواست قرار گرفت.

اردن: بازنگری در قوانین جهت مطابقت با کنوانسیون و انجام اقدامات قانونی لازم جهت اجرای

آن در دادگاه‌ها صورت پذیرد.

ازبکستان: درباره جایگاه کنوانسیون که آیا مفاد آن در دادگاه می‌تواند به طور مستقیم به عنوان

دلیل قانونی مورد استمداد قرار گیرد، تذکر داده شد.

گفتار سوم: مخالفت‌های جهانی

جلوگیری از استثمار زنان، فراهم آوردن امکانات ورزشی، شغلی، تحصیلی و فرهنگی توسط

دولت‌ها، حق استفاده از بیمه‌های اجتماعی و توجه به مشکلات خاص زنان روستایی از جمله نکات

مثبت و مفید کنوانسیون برای زنان است که نباید نادیده انگاشته شود؛ اما با توجه به اینکه قیود به کار

رفته در کنوانسیون مطلق و بدون هرگونه قیدی بوده علاوه بر پیامدهای پیشین فمینیسم که در

کنوانسیون به چشم می‌خورد، انتقادات جدی دیگری نیز بر مفاد آن وارد است.

از این رو پس از رسمیت یافتن کنوانسیون و تلاش برای رسمیت دادن به آن و فشارهای

سازمان‌های بین‌المللی در این باره، مخالفت‌های جدی‌ای از سوی مجامع و کشورهای مختلف با آن

صورت گرفت. بسیاری از کشورهای دنیا با غیرشفابخش دانستن کنوانسیون، از پذیرش آن سر باز

زدند. هم‌چنین شمار زیادی از اندیشمندان غربی با بیان نقطه ضعف‌های این معاهده‌نامه یک‌سونگر،

قدم‌های روشن‌گرانه‌ای برداشتند.

این کنوانسیون در دو زاویه اعتقادات مذهبی و قوانین ملی با دیگر ملل و مکاتب در تعارض و

تعاند است؛ لذا بسیاری از کشورها زیر بار تصویب و تأیید آن نرفتند.

۱. دفتر مطالعات زنان، دفاع از حقوق زنان ما و نظام بین‌المللی (مجموعه مقالات)، صص ۱۰-۱۲.

ایالات متحده آمریکا با این ادعا که قوانین داخلی خودش برتر از این معاهده است، به آن ملحق

نشده است.^۱ «ماد لین آلبرایت» وزیر امور خارجه وقت آمریکا در اجلاس جهانی زنان در پکن در

سال ۱۹۹۵، گفت: «هدف از این کنوانسیون پیشبرد اهداف آمریکاست.»

آلمان به خاطر عدم تعهد به تساوی کامل بین زن و مرد، از جمله عدم اجازه به زنان جهت

استفاده از یونیفرم نظامی از پذیرش این معاهده سر باز زده؛ آن هم به خاطر تجربه تلخ تاریخی از

جنگ جهانی دوم که زنان در جبهه‌های جنگ مورد سوءاستفاده سربازان قرار می‌گرفتند.

بسیاری از کشورهای اسلامی، مانند: الجزایر، مصر، لیبی، مالزی، لبنان و ایران به خاطر زیر سؤال

رفتن برخی از اصول دینی یا ملی، مانند: ازدواج‌های شرعی، تفاوت ارث و در مجموع با انتقاد به

تساوی کامل زن و مرد با کنوانسیون به تعارض برخاستند. حتی برخی کشورها که ادیان ابتدایی

داشتند مانند: چین و سنگاپور به خاطر احترام به حقوق اقلیت‌ها نسبت به مواردی که با قوانین آنها

در تعارض است، حق تحفظ قایل شده‌اند.

واتیکان به شدت با آن مخالفت کرد و ائتلاف سازمان‌های غیردولتی طی بیانیه‌ای اعلام کردند که

کشورهای غربی تلاش می‌کنند نقش‌های مادری زنان را به پایین‌ترین سطح خود تنزل دهند.

نقد مادران آمریکا بر کنوانسیون

پایان این بحث جملاتی است برگزیده از مقاله یک گروه غیردولتی از زنان آمریکایی به نام

«انجمن مادران آمریکا»، با عنوان «تهاجم به مادری، دین و حاکمیت ملی».^۲

۱. که به تفصیل نقد مادران آمریکا بر کنوانسیون در ادامه خواهد آمد.

۲. رجوع شود به نشانی: WWW.AMERICANMOTHERS.ORG/CEDA W.HTM

هشدار به ملت آمریکا

آمریکایی‌ها باید بدانند که تهاجم علیه مادری، دین و حاکمیت ملی بار دیگر در نزدیکی مرزهای ماست.

نابودی آزادی

چنین طراحی مهندسی جنسیتی (حذف هر نوع تمایز بین زن و مرد)، می‌تواند منجر به فقدان آزادی برای مادر شدن شود.

تهاجم به خانواده و مادران

اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت از نهاد خانواده و مادری حمایت می‌کند و از جامعه و دولت نیز می‌خواهد که از آنها پشتیبانی کنند (ماده ۱۵، پاراگراف ۳ و ماده ۲۵، پاراگراف ۲). اما کنوانسیون با این بی‌آنکه یک تحول در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده جهت دستیابی به برابری کامل بین زنان و مردان مورد نیاز است، این حمایت را نقض کرده است (کنوانسیون سال ۱۹۸۱، مقدمه پاراگراف ۱۴).

تهاجم به دین

منشور سازمان ملل متحد به صراحت ما را در برابر تبعیض‌ها به خاطر دین حمایت می‌کند؛ هر کس حق آزادی اندیشه، وجدان و دین را داراست (ماده ۲). آزادی والدین در آموزش دینی و اخلاقی فرزندان بر طبق عقاید خود (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده ۱۸-۴). به رسمیت شناختن نقش محوری دین، معنویت و عقیده بین میلیون‌ها زن و مرد (پکن+۵، ج-۹۸)؛ اما زیان قاطع کنوانسیون می‌تواند بر هر نهاد پدران از جمله دین تأثیر بگذارد. انجام همه اقدامات مقتضی جهت رفع تبعیض علیه زنان توسط هر فرد، سازمان یا نهاد (ماده ۱، بند دال). در اینجا کنوانسیون

بعضی از اعضای خاطی را توبیخ می‌کند. نروژ به خاطر حذف قانون برابری نسبت به برخی جوامع

مذهبی، هم‌چنین ایتالیا و پرو (که یک کشور کاتولیک متعصب است) در این زمره‌اند.

تهاجم به حاکمیت ملی

سازمان ملل متحد، مبتنی بر اصل تساوی حاکمیت همه اعضای آن است (ماده ۱ و ۲). هیچ‌یک از مفاد منشور حاضر، به سازمان ملل اجازه دخالت در موضوعاتی که اساساً در حوزه حاکمیت هر یک از دول است را نمی‌دهد (ماده ۲، پاراگراف ۷). اما در ارزیابی کنوانسیون از کشورها سؤال می‌کنند، آیا کنوانسیون رفع تبعیض به طور مستقیم به عنوان بخشی از قوانین ملی در دادگاه‌ها اعمال می‌شود؟ چه برنامه‌های آموزشی‌ای جهت آموزش قضاوت دیگر کارشناسان حقوقی در زمینه اولویت دادن به کنوانسیون نسبت به قوانین ملی وجود دارد و چه بخش از بودجه ملی جهت اجرای کنوانسیون تخصیص داده شده است؟

از این رو، همان گونه که خواهد آمد، یکی از چالش‌های جدی، مداخله کمیته مربوط به کنوانسیون در امور قانونی، ملی و دینی کشورهاست.

گفتار چهارم: اسلام و کنوانسیون

این معاهده‌نامه تساوی‌گرا، علاوه بر ابهامات مفهومی مانند تعریف آن از حقوق بشر، سعادت، توسعه و صلح جهانی به نادیده انگاشتن و تعارض با بسیاری از احکام دینی، و به خصوص اصول اسلامی منجر خواهد شد که برخی از نمونه‌های آن عبارت‌اند از:

وجوب حجاب برای زنان؛

حرمت نظر به جنس مخالف؛

حرمت ازدواج با محارم؛

حرمت ازدواج با خواهر زن؛

ازدواج باکره به اذن پدر؛

لزوم عدّه نگه داشتن زنان؛

حرمت سقط جنین؛

ازدواج پس از طلاق؛

اختلاف دختر و پسر در سن بلوغ.

مفاد کنوانسیون در کنار نقدهای مختلف، مانند: ستیز با نهاد خانواده، ایجاد نابرابری با شعار برابری و بسیاری از پیامدهای پیش گفته فمینیسم^۱ با بیش از ۲۰ آیه قرآن، صدها حکم فقهی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون مدنی، و قانون کار در تعارض است.^۲

واکنش‌ها در ایران به کنوانسیون

جمهوری اسلامی علی‌رغم فشارهای بین‌المللی و تأکید دبیر کل وقت سازمان ملل، به دلیل مغایرت‌های متعدد با موازین دینی و قوانین داخلی تاکنون الحاق به آن را نپذیرفته است. اندیشمندان ایرانی به خصوص مراجع دینی و علمای اسلام واکنش‌های جدی در مقابل این عهدنامه نشان دادند، آنچه در پی می‌آید جواب برخی از فقهای شیعه نسبت به استفتایی است که مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه از ایشان در این باره نموده است:^۳

آیت الله خامنه‌ای: پیوستن به معاهده مذکور برای مسلمانان و دولت‌های اسلامی جایز نیست، مگر اینکه موارد تعارض اصلاح شود.

۱. جهت مطالعه بیشتر نقدهای وارد بر کنوانسیون، رجوع شود به مجله کتاب نقد شماره ۳۱ (ویژه نامه کنوانسیون).

۲. ر. ک: هاجری و دیگران، بررسی سند بین‌المللی حقوق جهانی زنان کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان، صص ۹۴-۹۳.

۳. جهت مطالعه تفصیلی و بررسی مستندات دیدگاه‌های مورد اشاره و فتوای دیگر محققین و فضایی حوزه رجوع شود به کتاب

«دیدگاه‌های فقهی در خصوص عهدنامه محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» اثر مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه که در سال

۱۳۷۷ منتشر گردید.

آیت الله مکارم شیرازی: تعارض مفاد عهدنامه به حدی است که قابل تطبیق با قوانین اسلامی

نیست.

آیت الله میرزا جواد تبریزی: هر قانون و قراردادی که مخالف احکام شرع مقدس اسلام باشد یا مطابقت با مصالح مسلمین نداشته باشد یا عزت مسلمین را به خطر بیندازد، شرعاً اعتبار نداشته و اطاعت از آن جایز نیست و خود به خود ملغی است. این عهدنامه با احکام شرع مقدس مطابقت ندارد و قابل جمع با آن نیست.

آیت الله صافی گلپایگانی: این عهدنامه در موارد بسیاری با احکام مقدسه شرعیه مغایرت دارد و الحاق به آن حتی به طور مشروط معارضه با اسلام و حرام است.

آیت الله علوی گرگانی: امکان موافقت با این عهدنامه وجود ندارد.

آیت الله مظاهری: تساوی زن و مرد در موارد بسیاری با احکام شرع مطابقت ندارد.

آیت الله سیدمهدی روحانی: این عهدنامه در موارد زیادی با صریح قرآن مخالفت دارد؛ از این رو برای مسلمانان قبول نیست.

آیت الله سید کاظم حائری: مغایرت و مخالفت تعدادی از مواد عهدنامه با احکام اسلام بسیار روشن و مسلم است.

آیت الله صالحی مازندرانی: الحاق جمهوری اسلامی به عهدنامه، نقض چندین حکم صریح و ضروری اسلام است.

آیت الله استادی: چون این عهدنامه مرد و زن را در همه حقوق و احکام یکسان دانسته و هر نوع تفاوتی را تبعیض شمرده است، جمهوری اسلامی به هیچ وجه نمی تواند به این عهدنامه ملحق شود.

آیت الله مدرسی یزدی: اسلام تساوی بین زن و مرد را قایل است اما تشابه در تمام زمینه‌ها را

نمی‌پذیرد.

آیت الله خرازی: پذیرش این عهدنامه و یا عضویت در آن به منزله عدول و انصراف عملی از

احکام قطعی و ضروری اسلام است.

آیت الله امینی: عهدنامه را به طور مطلق نمی‌توان پذیرفت، مگر اینکه موارد خاص استثنا شود.

شرط تحفظ

این نکته قابل یادآوری است یکی از پیشنهادهایی که در کشور ما برای پیوستن به کنوانسیون

مطرح شده بود، این بود که با حق تحفظ قوانین شرعی و ملی این اقدام صورت پذیرد.

از این رو، در سال ۱۳۷۴ پیگیری الحاق به کمیسیون به صورت جدی مطرح شد تا اینکه در

آذر ماه سال ۱۳۸۰ هیأت دولت الحاق به کنوانسیون را با قرار دادن حق شرط تصویب کرد. شرط

مذکور در مصوبه هیأت دولت برای الحاق به کنوانسیون عبارت‌اند از: «جمهوری اسلامی ایران مفاد

کنوانسیون مذکور را در مواردی که با شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد قابل اجرا می‌داند»^۲

در حالی که شرط تحفظ هم ناسازگار با روح کنوانسیون است؛ زیرا در ماده ۲۸ آن آمده است:

«تحفظاتی که با هدف این کنوانسیون سازگار نباشد پذیرفته نخواهد شد.»

کمیته محو تبعیض سازمان ملل هم به شدت با چنین تحفظاتی برخورد کرده است؛ زیرا

همان‌گونه که پیش از این آمد، پیوستن به کنوانسیون قدم اول است؛ در ادامه هر چهار سال یک بار

تمام کشورهای عضو باید گزارشی از پیشرفت اجرای مفاد کنوانسیون به کمیته مر بوطه سازمان ملل

۱. Reservation.

۲. جهت تحلیل و نقد شرط مذکور از سوی ایران هم از لحاظ مفهومی و هم آثار سوء عملی رجوع شود به هاجری و دیگران،

صص ۱۳۱-۱۴۲، بررسی سند بین‌المللی حقوق جهانی زنان کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان.

ارایه دهند و در هر مورد مخالفت و حتی کندی روند پیشرفت ولو به صورت جزئی و موردی، بازخواست و مؤاخذه می‌شوند. به خصوص که در مواردی کنوانسیون به برخی از کشورها در همین مورد تذکر و توصیه داشته است که حق تحفظ از کنوانسیون برخلاف نص مفاد آن است و باید در قوانین ملی و داخلی آنها بازنگری صورت گیرد؛ از این رو، در سال ۲۰۰۰ به خاطر حق تحفظات قایل شده در مصر ابراز نگرانی کرد و از مصریان خواست تا به سرعت گام‌های لازم را برای انصراف از تحفظات بردارند. در مقابل از کشورهای هلند و سوئد به سبب اعتراض به تحفظات سایر دولت‌ها، از سوی کمیته مربوط به کنوانسیون تقدیر شد.

از این رو، صرف پیوستن به کنوانسیون از فشارهای بین‌المللی بر کشورها کاسته نمی‌شود، بلکه التزام و تعبد به تمام اصول و قوانین آن، حتی در صورت مخالفت با قوانین دینی و ملی ضروری است.

فصل چهارم: اسلام و جایگاه زن

دین با پشتوانه نظام و حیانی و جنبه‌های عرفانی و عقلانی، نگاهی مینوی و آسمانی به زن دارد، به بیان دیگر می‌توان گفت نگاه دین به زن انسی است، نه جنسی، معنوی است، نه مادی، الهی است، نه بشری.

نمونه‌های تاریخی و مشهور آن، تطبیق و مقایسه اتفاقات خاص پیش از اسلام و صدر اسلام درباره زن است. آنگاه که خرید و فروش، به ارث گذاشتن و تحقیر نمودن زنان و دخترکان نه تنها در میان اعراب، بلکه همان‌گونه که پیش از این آمد در میان دیگر اقوام و ملل نیز امری رایج و متداول بود. اشریت اسلام با سنت‌شکنی و پایه‌ریزی بنیادی نو، زن را به عنوان موجودی که در هویت و ماهیت نوعیه انسانی تفاوتی با مرد ندارد، تصویر نمود و در کسب کمالات انسانی و ارزش‌های الهی هویت تازه‌ای به او بخشید.

این فصل بدون پردازش به شبهات حقوقی و فقهی درباره زنان، و صرفاً با اولویت و تأکید بر شخصیت و کرامت زن در سه عنوان جایگاه زن در قرآن، جایگاه زن در روایات و در آخر دیدگاه‌های برخی متفکران اسلامی ارائه خواهد شد.^۵

۱. در بحث جایگاه زنان پیش از فمینیسم به تفصیل بحث شد.

۲. وضعیت زنان در قرون وسطی در غرب و ظلم‌های جسمی در تحمل کارهای سنگین خانه و بهره‌کشی جنسی در ارضای تنوع‌طلبی مردان در مقابل زنان اشراف به مراتب بدتر از عرب جاهلیت بود. ر. ک: لوید، عقل مذکر، صص ۵۷-۵۲.

۳. به قول ابوعلی سینا از آنجا که مؤنث و مذکر بودن بعد از تحقق و تحصیل ماهیت و حیات نوعی انسان عارض می‌شوند، جنبه ذاتی ندارند و از اعراض و احوال هستند. (ابوعلی سینا، الشفاء، الالهیات، ص ۲۲۴).

۴. در این باره در حد نیاز بحث و بررسی صورت گرفته و آثار مختلفی در گستره مباحث دینی درباره زن به چشم می‌خورد.

۵. جهت مطالعه بیشتر در حوزه نگاه قرآن، روایات و احکام فقهی در باره جایگاه، مبانی، حقوق و تکالیف زن رجوع شود به کتاب‌های: آیت الله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال؛ استاد مطهری، نظام حقوق زن در اسلام؛ مهدی مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام؛ زهرا آیت‌اللهی، زن و خانواده (۲ جلد)؛ فریبا علاسوند، زن در اسلام (۲ جلد).

در پایان نگارنده به جمع‌بندی نهایی مباحث خواهد پرداخت که آیا در مجموع بررسی تطبیقی

دو رویکرد اسلام و فمینیسم، زن فراتر یا فروتر از مرد است؟ و وجه ممتاز گفتمان دینی در این باره چیست؟

گفتار اول: جایگاه زن در قرآن

نگاه قرآن به زن به عنوان یک انسان، دقیقاً همان نگاهی که به مردان دارد؛ از این رو در بسیاری از آیات قرآن، حقوق، وظایف، جنبه‌های انسانی و ارزش‌های اخلاقی هر دو گروه به صورت مشترک بیان گردیده.

در این نوشتار بنا بر استقرا و استقصای کامل قرآن در این زمینه نبوده و صرفاً هدف بیان نمونه‌هایی از آیات در اثبات مطلب بوده است، از این رو در هر عنوان صرفاً به برخی از آیات مرتبط اشاره می‌شود.

خلقت ظاهری و معنوی

تساوی در هویت و حقیقت انسانی، مانند: اشتراک در منشأ و ماده اولیه آفرینش، دمیدن روح الهی، تسویه و تعدیل در خلقت و لقب یافتن هر دو به انسان و بشر؛^۱

خلقت انسان در رنج و سختی؛^۲

خلقت انسان در زیباترین ترکیب؛^۳

۱. در قرآن مسایل اختصاصی و اشتراکی مربوط به زنان در حدود ۲۰۰ آیه طرح شده است. (مهدی مهریزی، زن در فرهنگ اسلامی، ص ۱۴).

۲. مومنون (۲۳)، آیات ۱۰-۱۲؛ حجرات (۴۹)، آیه ۱۳؛ انسان (۷۶)، آیات ۲-۳؛ حجرات (۴۹)، آیات ۲۶-۴۲، انفطار (۸۲)، آیه ۶۷؛ نساء (۴)، آیه ۱؛ شوری (۴۲)، آیه ۱۱، اعراف (۷)، آیه ۱۸۹.

۳. بلد (۹۰)، آیه ۴.

۴. تین (۹۵)، آیه ۴.

امتیازات تکوینی

اشتراک در هدف خلقت؛ اینکه خداوند هدف مشترک از خلقت زن و مرد را معرفت و عبادت خویش و آزمایش و امتحان آن دو قرار داده است؛

تکریم زن و مرد بر دیگر موجودات عالم و از آغاز خلقت بر فرشتگان الهی و تعلیم اسمای الهی به او؛^۲

اشتراک در الهام به خوبی و بدی، عهد خداوند با آن دو و فطرت خداجویی؛^۳
آفرینش تمام عالم هستی از زمین و آسمان، خورشید و ماه و شب و روز به خاطر وجود انسان؛^۴

تساوی در اختیار و کمالجویی

تساوی در تکامل، عبودیت و قرب به خدا؛^۵

تساوی در عقیده و ایمان و عدم برتری یا تفاوتی بین آنها؛

تساوی در قدرت اراده و امکان انتخاب راه حق و باطل؛^۶

اشتراک هر دو در توانمندی نسبت به تزکیه روح و نفس؛^۱

۱. ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶؛ ملک (۶۷)، آیه ۲.

۲. بقره (۲)، آیه ۳۰.

۳. شمس (۹۱)، آیه ۷؛ طه (۲۰)، آیه ۱۱۵؛ روم (۳۰)، آیه ۳۰.

۴. حج (۲۲)، آیه ۶۵؛ ابراهیم (۱۴)، آیه ۳۲؛ جاثیه (۴۵)، آیه ۱۳؛ ابراهیم (۱۴)، آیه ۳۳؛ بقره (۲)، آیه ۲۲.

۵. آن عقلی که در آن زن و مرد اختلاف و تفاوت دارند، غیر از عقلی است که مایه تقرب الی الله است. (جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۷۰).

۶. نساء (۴)، آیه ۱۲۴؛ نحل (۱۶)، آیه ۷۹؛ توبه (۹)، آیه ۷۲؛ احزاب (۱۷)، آیه ۳۵؛ هود (۱۱) آیات ۱۰۶ و ۱۰۸؛ مؤمن (۴۰)، آیه ۴۰؛ حجر (۱۵)، آیات ۲۸ و ۲۹.

۷. قرآن کریم در بیش از بیست مورد به برابری زن و مرد در عقیده و ایمان اشاره دارد از جمله: سوره بروج (۸۵)، آیه ۱۰؛ سوره احزاب (۱۷)، آیات ۳۶ و ۵۸؛ سوره متحنه، آیه ۱۰.

۸. توبه (۹)، آیات ۶۷ و ۶۸؛ نور (۲۴)، آیه ۲۶؛ آل عمران (۳)، آیه ۴۳.

تساوی در اعمال و نتایج آن

دارا بودن دو بال ایمان و عمل صالح؛^۳

ارج‌گذاری به کار نیک زنان و مردان؛^۴

یکسانی ثواب و عقاب در اعمال مشابه و کسب درجات بهشت و رضوان؛^۵

تساوی در نفس اماره، وسوسه‌های شیطانی نسبت به هر دو گروه و ارتکاب عصیان الهی؛^۶

جایگاه اجتماعی

آمدن پیامبران و تنزیل کتاب بر هر دو گروه زن و مرد؛^۷

استقلال اقتصادی، سیاسی و اجتماعی؛^۸

تساوی در ارزش‌هایی چون کسب علم و دانش، هجرت و جهاد؛^۹

تساوی در ارزش‌های انسانی؛ اسما بنت عمیس از زنان مهاجر حبشه، وقتی همراه شوهرش

جعفر بن ابی طالب از حبشه مراجعت کرد، نزد زنان پیامبر رفت و پرسید: «آیا در قرآن مطلبی درباره

۱. نحل (۱۶)، آیه ۹۷.

۲. بقره (۲)، آیه ۱۸۳؛ نور (۲۴)، آیات ۲ و ۳۱ و ۳۲؛ مائده (۵)، آیه ۳۱؛ اعراف (۷)، آیات ۲۴-۱۹؛ احزاب (۷)، آیات ۷۳-۷۲.

انسان (۷۶)، آیه ۳.

۳. الرحمان (۵۵)، آیات ۴-۱؛ عصر (۱۰۳)، آیات ۲-۱؛ غافر (۴۰)، آیه ۴۰.

۴. آل عمران (۳)، آیه ۱۹۵.

۵. آل عمران (۳)، آیه ۱۹۵؛ نساء (۴)، آیه ۱۲۴؛ غافر (۴۰)، آیه ۴۰؛ فتح (۴۸)، آیات ۶-۴؛ نحل (۱۶)، آیه ۹۷؛ مؤمنون (۲۳)، آیه ۴۰.

۶. یوسف (۱۲)، آیه ۵۳؛ بقره (۲)، آیات ۳۶-۳۵؛ طه (۲۰)، آیه ۱۲۱؛ یوسف (۱۲)، آیه ۵؛ یس (۳۶)، آیه ۶۰.

۷. آل عمران (۲)، آیه ۱۶۴؛ مائده (۵)، آیه ۳؛ جمعه (۶۲)، آیه ۱؛ بقره (۲)، آیه ۱۶۵؛ ابراهیم (۱۲)، آیه ۱.

۸. ممتحنه (۶۰)، آیه ۱۲؛ نساء (۴)، آیه ۳۳.

۹. آل عمران (۳)، آیه ۱۹۵؛ نساء (۴)، آیات ۹۶-۹۵؛ مجادله (۵۸)، آیه ۱۱؛ زمر (۳۹)، آیه ۹؛ بقره (۲)، آیه ۱۵۱.

زنان نازل شده است؟» جواب منفی دادند. آنگاه خدمت رسول خدا (ص) رسید و گفت: «زنان در خسارت و ضررند.» پیامبر فرمود: «چرا؟» عرض کرد: «برای اینکه در قرآن زنان مانند مردان تمجید نشده‌اند.» در اینجا خداوند آیه ۳۵ سوره احزاب که حاوی چندین ارزش مشترک است را نازل فرمود که زنان و مردان در کسب صفات مختلف انسانی با هم برابرند: <ان المسلمین و المسلمات>، <و المؤمنین و المؤمنات>، <و القانتین و القانتات>، <و الصادقین و الصادقات>، <و الصابرين و الصابرات>، <و الخاشعین و الخاشعات>، <و المتصدقین و المتصدقات>، <و الصائمین و الصائمات>، <و الحافظین فروعهم و الحافظات>، <و الذاکرین الله کثیراً و الذاکرات>، <اعدالله لهم مغفرة و اجرا عظیماً>.^۱

حقیقت آن که در قرآن کریم نفس انسان (اعم از زن و مرد) موجود اشرف،^۲ دارای روح الهی،^۳ مسجود فرشتگان^۴ و کسی است که جویبارها، خورشید و ماه و کشتی‌ها مسخر اوست^۵ و بلکه تمام مخلوقات زمین برای او آفریده شده^۶ و کسی است که اجازه بهره‌مندی از مواهب جهان هستی به او اعطا گردیده، هم‌چنین در امانتداری بر زمین و آسمان و کوه‌ها نیز برتری و گزینش شده است.^۷

در مجموع از نگاه وحی، زنان علاوه بر امتیازات مشترک در ارزش و شرافت‌های انسانی، حتی در آیاتی مورد تکریم بیشتری نسبت به مردان قرار گرفته‌اند، مانند این که از نظر همسری مایه آرامش

۱. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۹، صص ۹۴-۹۵.

۲. اسرا (۱۷)، آیه ۷۰.

۳. حجر (۱۵)، آیه ۲۹.

۴. حجر (۱۵)، آیه ۲۹.

۵. ابراهیم (۱۴)، آیه ۳۴.

۶. بقره (۲)، آیه ۲۹.

۷. احزاب (۳۳)، آیه ۷۲.

بیشترند^۱ یا برتری آن‌ها به خاطر مقام مادری و ام بودن^۲ و همچنین با توجه به تکالیف و

مسئولیت‌های بیشتر جایگاه و احترام ویژه ای در جامعه و خانواده دارند.^۳

حتی از نظر حق مالکیت و جنبه‌های اقتصادی، در عین ملحوظ شدن وضعیت‌های خاص

اجتماعی و انسانی زن، این مسئله مورد توجه و عنایت ویژه است. زیرا بنا بر قوانین اسلامی، زنان

استقلال کامل و آزادی در امور اقتصادی و مالی داشته و می‌تواند املاک شخصی خود را به هر

صورتی که مایلند مصرف نمایند. که این مسئله شامل اموالی می‌شود که زنان چه قبل از ازدواج و چه

بعد از ازدواج به دست آورده‌اند.

از نظر اسلام، زن و مرد از نظر مالکیت و تصرفات مالی، از برابری کامل برخوردارند و

همان‌گونه که مرد می‌تواند به معاملاتی نظیر خرید، فروش، صلح و رهن و... دست زند، زن نیز

می‌تواند مستقلاً هرگونه تصرفی که بخواهد در اموال خود بنماید یا تجارت و معامله، تولید و توزیع

و مصرف کند و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اجازه زن، در اموالش تصرف کند بنابراین در اسلام، زن از

استقلال کامل اقتصادی برخوردار است.^۴

۱. اعراف (۷)، آیه ۱۸۹.

۲. قرآن از مادر به ام یاد می‌کند زیرا از نظر لغوی در عرب ام به اصل، اساس و آغاز هر چیزی اطلاق می‌شود، مانند ام‌الکتاب و

ام‌القری، چه آنکه مادر ریشه خانواده و پناهگاه فرزندان است. (مهدوی کنی، صدیقه، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن،

صص ۲۲۴-۲۲۵).

۳. عنکبوت (۲۹)، آیه ۸؛ اسراء (۱۷)، آیات ۲۳ و ۲۶؛ بقره (۲)، آیه ۱۸۳؛ مریم (۱۹)، آیه ۱۴؛ انعام (۶)، آیه ۱۵۱؛ لقمان (۳۱)،

آیات ۱۴ و ۱۵؛ احقاف (۴۶)، آیه ۱۵.

۴. بنابر آئین مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز زنان به طور مستقل می‌توانند هر نوع استفاده‌ای نسبت به اموال خود داشته باشند.

استقلال اقتصادی زنان در قرآن به خوبی قابل استفاده است به خصوص آنجا که می‌فرماید:

«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»؛ مردان و زنان هر دو از آنچه کسب می‌کنند، بهره می‌برند.^۱

حتی در مسئله ارث نیز زن‌ها در عین رعایت جنبه‌های اعتدال‌گرایانه از سوی شرع مقدس و در نظر داشتن تفاوت‌هایی که با مرد دارد، از طرق مختلف ارث می‌برند و این مسئله در زمانی مشروعیت یافت که وضعیت زنان عصر جاهلیت به بیان علامه طباطبائی به گونه‌ای بود که ارث نمی‌دادند زیرا زنان به خانواده‌های شوهران خود تعلق داشتند و ارث‌بری آنان موجب ضعف خانواده خود و تقویت مالی خانواده دیگری می‌شد.^۲ اما زنان در قوانین اسلامی با توجه به نص آموزه‌های دینی بخصوص قرآن کریم با عناوین مختلف مانند موارد زیر از ارث بهره‌مند می‌گردند:

۱. به عنوان همسر^۳ ۲. به عنوان فرزند^۴

۳. به عنوان مادر^۵ ۴. به عنوان خواهر^۶

با توجه به توضیحات پیش گفته و جنبه‌های خاص تفاوت‌های طبیعی زن و مرد که در فصل‌های گذشته به تفصیل طرح و بررسی شد. باید یادآوری نمود، آیاتی که در ظاهر به برتری مرد و فروتری زن اشاره دارد، همواره موهم شبهاتی در این باره بوده است، به خوبی قابل توجیه و تأویل بوده مثلاً اینکه قرآن فرموده: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۷ قطعاً ناظر به مسایل اخلاقی و انسانی

۱. نساء (۴)، آیه ۳۲.

۲. طباطبائی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۴، ص ۳۳۴.

۳. نساء (۴)، آیه ۱۲.

۴. نساء (۴)، آیه ۱۱.

۵. نساء (۴)، آیه ۱۱.

۶. نساء (۴)، آیه ۱۲.

۷. نساء (۴)، آیه ۳۴.

نیست؛ زیرا در این گونه مسایل میان جنس مذکر و مؤنث تفاوتی در آموزه‌ها و ادبیات دینی به چشم نمی‌خورد؛ بلکه تفاوت و تفوق را باید در جایی مانند مسایل حقوقی در حوزه اجتماع یا خانواده تفسیر کرد. به بیان لطیف آیت الله مظاهری، مراد این معناست که اداره امور و تدبیر منزل از نظر مادی و معنوی، به عهده مرد است که البته این وظیفه سنگین تنها با حکومت بر دل میسر است و با تسلط بر جسم به تنهایی مؤثر نمی‌افتد که در این صورت توسل به زور و خشونت لازم نمی‌شود؛ زیرا مثل زن مثل گل سرخ است و مرد به درخت تنومندی می‌ماند، همان‌گونه که گل سرخ تحمل آفتاب سوزان، طوفان، و سرمای زمستان را ندارد، زن را نیز یارای مقاومت در برابر مسئولیت‌های سنگین و طاقت‌فرسای اجتماعی نیست و با نبودن هر کدام از زن و مرد در جامعه، اجتماع ناقص خواهد بود و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارند.^۱

علاوه بر موارد و دسته‌بندی‌های پیش گفته که ناظر به تبیین راهکارها و معیارهای کلی قرآن درباره جایگاه انسانی زن بود، قران الگوهایی را نیز در این باره به عنوان زنان برتر و مقرب الهی معرفی می‌نماید تا جایی که مخاطب کلام الهی قرار گرفتند. درباره مادر موسی آنگاه که او را خطاب قرار می‌دهد که کودک را شیر بده و هنگامی که بر جان او بیمناک شدی او را به دریا بیفکن.^۲ یا درباره مریم مادر عیسی که به درجه‌ای رسیده بود که در محراب عبادت ملائکه با او سخن می‌گفتند و از غیب برای او روزی می‌رسید.^۳

۱. مظاهری، خانواده در اسلام، صص ۲۶-۲۴.

۲. قصص (۲۸)، آیه ۷ به بعد.

۳. آل عمران (۳)، آیه ۳۷.

گفتار دوم: جایگاه زن در روایات

در گفتار معصومین علیهم السلام که در حقیقت وحی بیانی در کنار وحی قرآنی به حساب می‌آیند، تکریم و تجلیل از مقام زن و ارائه موزون حقوق و تکالیف آنان به خوبی قابل استنتاج است. هم‌چنین تکریم و حرمت به زنان در سیره و سنت آنان به خوبی مشهود است. آنچه در پی می‌آید برخی از گفتارهای معصومین علیهم السلام است که بیشتر با روش توصیفی، و در مقام بیان شناسنامه و شخصیت کلی زن است.

قابل یادآوری است، با توجه به اینکه در نگاه قرآن اوصاف اشتراکی زن و مرد طرح شد، در نگاه روایات، برخی از ویژگی‌های اختصاصی و توجهات خاص به زنان مد نظر است.

ستایش محبت به زنان

در سیره و سنت معصومین هم به ابراز عشق و علاقه به همسران و تکریم زن در خانواده تاکید فراوانی شده و هم خشونت مردان با همسران به شدت مورد مذمت قرار گرفته است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ما اکرم النساء الا کریم و لا اهانہ الا لئیم» «تکریم نمی‌کنند زنان را مگر بزرگواران و تحقیر نمی‌کنند آنها را مگر فرومایگان»^۱

پیامبر اکرم (ص): «قول الرجل للمراة انی احبک لایذهب من قلبها ابدا»؛ سخن مرد به همسرش که دوستت دارم، هرگز از قلب زن پاک نمی‌شود.^۲

امام صادق (ع) می‌فرماید: «من اخلاق الانبیاء حب النساء»؛ از خصوصیات اخلاقی انبیاء، محبت به زنان است.^۲

۱. نهج الفصاحه، ص ۳۱۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

در حدیث دیگر فرمودند: « العبد كلما ازداد للنساء حبا ازداد في الايمان فضلا »؛ هرگاه

عشق و علاقه مردی به همسرش زیاد شود، بر ایمان او افزوده می‌شود.^۳

فاطمه زهرا (س) نیز فرمودند: « خياركم اكرمهم لنسائهم »؛ بهترین شما کسی است که ...

همسرش را بیشتر تکریم کند.^۴

و در مذمت و نکوهش بی حرمتی به زنان، در سخنی پیامبر اکرم (ص) فرمودند: فای رجل لطم

امراته لطمه امر الله عزوجل مالک خازن النيران فليلطمه علی حر وجهه سبعین لطمه فی نار جهنم^۵

هر مردی که به صورت همسرش یک سیلی بزند، خداوند عز و جل به مالک دوزخ فرمان می‌دهد

در جهنم به او هفتاد سیلی بزند.

خوبی‌ها و زنان

با توجه به نقش‌های مادری و همسری زنان، آنان دارای ارزش‌ها و توانمندی‌های متعددی

هستند که می‌توانند زمینه‌ساز تحقق آن‌ها در میان فرزندان و همسران و بلکه مجموعه جامعه

گردند. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: اکثر الخیر فی النساء «بیشترین خوبی‌ها در بین زنان

است.»^۶ یا این که در حدیث دیگری به جنبه صبر و تحمل آن اشاره نموده و می‌فرماید: « إنَّ اللّٰهَ

۱. شاید از این رو اسلام دوست داشتن زن را جزء اخلاق انبیا معرفی کرد که با این تفکر مبارزه کند که در برخی مکاتب و ادیان

محبت زن را عمل غیراخلاقی و مانع تقرب و کمال انسانی به حساب می‌آوردند.

۲. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۶۱.

۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴.

۴. طبری الامامی، دلائل الامامه، ص ۷.

۵ - محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰

۶. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵.

جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ؛ خداوند صبر و تحمل ده مرد را به یک زن عطا کرده است.^۱

لطافت روحی و جسمی زنان

نکته مهم دیگری که عدم توجه به آن باعث یکسان انگاری زنان و مردان گردید و موجب شد زنان به حوزه و حریم مردان و کارهای سنگین و خشن آن ها کشیده شوند، عدم توجه به تفاوت های جدی این دو گروه و بخصوص لطافت های روحی و جسمی زنان است. که در آموزه های حدیثی نیز بر این ویژگی خاص تاکید شده است. امام علی (ع) می فرماید: « ان المرأة ریحانه و لسیت بقهرمانه »؛ زن گل بهاری و لطیف است، نه کارگزار و قهرمان. ^۲ همچنین در حدیثی پیامبر (ص) زنان را به شیشه شکننده تشبیه کرده است. ^۳ که این روایات در عین تاکید بر حساسیت های روحی و جسمی زنان از یک سو، در بر دارنده انحصار تربیت و آرامبخشی آن ها در درون خانه از سوی دیگر است.

یاران امام زمان (عج)

علاوه بر زنان بزرگی مانند سمیه، ام سلمه و اسماء بنت عمیس که در گذشته تاریخ اسلام نقش آفرینی های بزرگی نمودند، که تا به امروز نیز همچنان ادامه دارد، در حکومت دادگسترانه امام مهدی عج نیز زنان حضوری محوری و پر رنگ خواهند داشت. امام باقر (ع) می فرماید: « و یجئنی و الله

۱. کلینی، الکافی، ج ۵۰، ص ۳۳۹.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۳۰.

ثلاث مائة و بضعة عشر رجلا فيهم خمسون امرأة يجتمعون...»؛ به خدا سوگند ۳۱۳ تن از

یارانی که در نزد امام زمان (عج) می آیند، ۵۰ نفر آنان زن است...^۱

ضرورت آموزش برای زنان

در احادیث زیادی بر ضرورت یادگیری علم و دانش برای زنان مسلمان تأکید شده است، در این باره علاوه بر احادیثی که به صورت مطلق درباره اهمیت علم آموزی آمده است که زنان را نیز همانند مردان دربر می گیرد، پیامبر اسلام (ص) در حدیث دیگری به صورت خاص ضرورت دانش اندوزی زنان را مورد تاکید قرار می دهند: «طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة»^۲ و تا آنجا که پیامبر (ص)، در مواردی تعلیم قرآن به زن توسط شوهر را مهریه او قرار داده است.^۳

مایه انس بودن زنان

یکی از مهم ترین ویژگی زنان که در قرآن نیز مورد تاکید قرار گرفته است این که زنان مایه آرامش و نشاط همسرانشان هستند، حدیثی در این باره از امام صادق (ع) وارد شده است: «سمی النساء لانه لم یکن لآدم انس غیر حواء»؛ زنان از آن جهت «نساء» نامیده شدند، که آدم مونسی جز حوا نداشت.^۴ در حدیث مفصل دیگری ناظر به داستان خلقت آدم و حواء فرمودند: «سمی النساء لانه لم یکن لآدم انس غیر حواء. ان آدم (ع) رای حواء فی المنام فلما انتبه قال: یارب من هذه التی آنستنی بقربها؟ قال الله تعالی هذه امتی و انت عبدی... قال آدم یارب فهذه امتک حواء قدرق لها قلبی فلمن خلقها؟ قال الله تعالی خلقتها لک لتسکن الدنیا فلا

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۲. الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۸، صص ۱۴-۱۳.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۱۹۵.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۰۹؛ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۹۰.

تکون و حیدا فی جنتی.....؛ حضرت آدم، حوا را در خواب دید، وقتی بیدار شد از خدا پرسید این مخلوق کیست که با نزدیک شدنش من نسبت به او احساس انس نمودم؟» خداوند فرمود: او و تو بندگان من هستید... آدم گفت: خدایا دلم اسیر او گشته است، او را برای چه کسی آفریدی؟ خداوند فرمود: او را برای تو آفریدم، برای اینکه در دنیا آرامش یابی و در بهشت تنها نباشی! در پایان حدیث، امام به عقد درآمدن آنها به دستور خدا توسط جبرئیل و به شادی فرشتگان برای آنها اشاره می‌کند.

آنچه نقل شد، غیر از روایات فراوانی است که درباره احترام به دختران و محبت به آنها و عدم آزار و اهانت‌شان و تأکید بر رعایت مساوات میان دختران و پسران و مذمت سنت غلط ترجیح پسران بر دختران آمده است. تا جایی که در حدیثی پیامبر (ص) می‌فرماید: «خیر اولادکم البنات»؛ بهترین فرزندان شما دختران هستند. ^۲ و هم‌چنین فرمودند: «ان الله یحب ان تعدلوا بین اولادکم حتی فی القبل»؛ خداوند دوست دارد با فرزندان خود عادلانه رفتار کنید حتی در بوسیدن آنها. ^۳

مقام مادری زنان

مادر و مادری جایگاه غیرقابل بدیلی در اسلام دارد. در قرآن و سخن اولیای الهی، پس از تکریم و تسبیح خداوند، بر ارج‌گذاری به مقام مادر تأکید اعجاب‌انگیزی شده است. ^۴ حدود ده مورد از

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۲۴.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ح ۴۵۳۵۰.

۴. اهمیت مادر و خانواده در اسلام، در کتاب «زن در ادیان بزرگ جهان» این گونه آمده است: «با وجود اختلاف نظر علمای اسلام در مسایل زناشویی، همه آنها معتقدند خانواده، ازدواج و مادر بودن از مهم‌ترین ارکان امت اسلامی محسوب می‌شود. (هولم و بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ص ۱۸۵).

آیات قرآن در مورد احترام به والدین است که در برخی از آنها به صورت خاص با یادآوری

سختی‌های دوران بارداری، زایمان و شیردهی، بر تکریم و تجلیل از مادران تأکید ویژه شده است.

در روایات فراوانی نیز تصریح شده که مادران به سبب سختی‌ها و رنج‌های فراوان، شایسته

تکریم و احترام بسیارند. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) درباره حرمت مادر آمده: « اِذَا كُنْتَ فِي

الصَّلَاةِ فَانْ دَعَاكَ وَالِدَكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَانْ دَعَتْكَ وَالِدَتَكَ فَاقْطَعْهَا»؛ اگر به نماز نافله

ایستادی و پدرت تو را صدا زد، نمازت را به هم نزن و اگر مادرت تو را فرا خواند، نمازت را قطع

کن! در حدیثی نزدیک به همین مضمون از امام موسی کاظم (ع) نقل شده: « اِنْ الرَّجُلَ اِذَا كَانَ

فِي الصَّلَاةِ فَدَعَا الْوَالِدَ فَلْيَسْبِحْ فَاِذَا دَعَتْهُ الْوَالِدَةُ فَلْيَقُلْ لِبَيْتِكَ»؛ در نماز در جواب پدرت که

تو را صدا می‌زند باید تسبیح کنی و در جواب مادر لبیک بگویی.^۲

در جای دیگر آمده است: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ اِبْر؟ قَالَ امك، قَالَ

ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ امك، قَالَ ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ امك، قَالَ ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ اباك؛ شخصی نزد رسول خدا

(ص) آمد و گفت: یا رسول الله به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: «به مادرت». سپس پرسید: پس از او؟

حضرت فرمودند: «مادرت». دیگر بار پرسید: پس از او؟ فرمودند: «مادرت». آنگاه پرسید: پس از او؟

فرمود: «پدرت».^۳ و فرمودند مادرانی که در کنار انجام وظایف مادری به حقوق همسر و نماز توجه

داشته باشند، وارد جهنم نمی‌شوند؛ حتی در آنجا که شخصی در مقام مقایسه از پیامبر سؤال کرد

کدام یک از پدر و مادر جایگاه بالاتری دارند؟ در جواب فرمودند: « اَلَّتِي حَمَلَتْهُ بَيْنَ الْجَنْبَيْنِ وَ

۱. همان.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۹.

۳. العاملی، وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، ج ۷، ص ۲۰۶.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

ارضعته بين الثديين و حضنته على الفخذين و فدته الوالدین. «؛ مادر، زیرا که او فرزند را

بین دو پهلوی خود حمل کرده و از سینه‌هایش شیر داده و بر پاهایش نشانده و پدر و مادر خود را در نوازش، فدای او کرده است.^۱

در رفتار و کردار شخصی پیامبر نیز، چنین منشی حتی نسبت به دایه‌ها و مادران رضاعی به چشم می‌خورد، وی به ام ایمن و حلیمه سعدیه که پس از آمنه برای او مادری کرده بودند، محبت و توجه فراوان داشت.^۲

گفتار سوم: متفکران اسلامی و جایگاه زن

در راستای فهم آسان‌تر آموزه‌های اسلامی درباره حقوق و تکالیف زنان و زمینه‌سازی جهت مطالعه بیشتر نسل جوان و معرفی منابع معتبر در این باره، دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان تأثیرگذار معاصر اسلامی، به صورت مختصر بیان می‌شود؛ زیرا باور داریم تفسیر ضابطه‌مند عالمان از دین در هر عصر به مثابه بیان حقایق دین به قدر عقول مردم است.

الف: استاد مطهری؛ خانواده از جنس مالکیت یا وحدت

استاد مطهری در کتاب نظام حقوق زنان در اسلام که از برترین آثار دوران معاصر در حوزه مطالعات درباره زنان به حساب می‌آید،^۳ به خوبی مسئله حق و تکلیف زن را در اسلام مطرح کرده است. برخی نکات مهم این کتاب (به خصوص از فصل پنجم به بعد) عبارت است از:

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۲.

۲. قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۲۶.

۳. این کتاب در جواب شبهاتی که در سال ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ با درج مقالاتی علیه حقوق زن در اسلام در مجله زن روز درج شده بود، به عنوان جوابیه در آن مجله تدوین و چاپ شد.

نهضت اسلامی زن، نهضت سفید است نه نهضت سیاه و تیره اروپایی. احترام پدران را نزد

دختران و احترام شوهران را نزد زنان از میان نبرد. اساس خانواده‌ها را متزلزل نکرد، زنان را به شوهرداری، مادری و تربیت فرزندان بدبین نکرد.

اسلام برای مرد و زن در همه موارد یک نوع حقوق و یک نوع وظیفه و یک نوع مجازات قایل نشده است. پاره‌ای از حقوق، تکالیف و مجازات‌ها را برای مرد مناسب‌تر دانسته و پاره‌ای از آنها را برای زن؛ در نتیجه در مواردی برای زن و مرد، وضع مشابه و در مواردی دیگر، وضع نامشابهی در نظر گرفته است.

آزادی و برابری زن و مرد، خارج شدن از مدار طبیعی و فطری است و قرآن زن را همان‌گونه دیده که طبیعت آفریده.

شرط اصلی سعادت زن و مرد و جامعه بشری در این است که زن و مرد هر کدام در مدار خویش حرکت کنند.

اسلام با خرافه ریاضت جنسی و تقدس و عزوبت سخت نبرد کرد و ازدواج را مقدس شمرد و دوست داشتن زن را جزء اخلاق انبیا معرفی کرد.

دو تفاوت اساسی بین ظلم‌های دوران جاهلیت و فمینیسم با احکام اسلام، یکی در ناحیه روان‌شناسی اسلام نسبت به زن و مرد است که اعجاز کرده است؛ دیگری در ناحیه حقوقی بود که در عین اینکه زنان را با حقوق انسانی‌شان آشنا کرد و به آنها استقلال، حرمت و شخصیت داد، هرگز آنان را به طغیان و بدبینی نسبت به مردان وادار نکرد.

اجازه ازدواج دختر باکره از پدر ریشه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دارد و جزء احکام قطعی اسلام نیست، بلکه چون طبع زن اسیر محبت و مرد بنده شهوت است، این حکم آمده است و این دلیل بر ناقص بودن زن نیست. اگر چنین بود، زنان بیوه هم باید اجازه می‌گرفتند.

تأکید بر عدالت نسبت به زنان، مخصوصاً آنان که چند همسری هستند تا اینکه با نگاه احساسی

یا ظالمانه اقدام به ازدواج مجدد نکنند.

البته در دیگر آثار مانند کتاب مسئله حجاب و یادداشت‌هایی که از استاد مطهری به جای مانده است به مناسبت‌هایی به موضوع اهمیت زن و خانواده پرداخته است. ایشان تأکید دارند که خانواده از جنس شرکت، مالکیت و تصاحب نیست که سؤال شود تصاحب یک طرفی است یا دو طرفی، بلکه وحدت و صمیمیت است که فوق عدالت است، وحدت و پیوند عاطفی است که موجب خوشی و سعادت است، در ادامه ایشان تفاوت خانواده با اجتماع را (در این که هر دو در جنبه اجتماعی مشابه هم هستند) در این فارق می‌داند که علقه اجتماع عدالت است که چه بسا موجب بیگانگی می‌شود، اما علقه خانواده عواطف است که موجب وحدت و ترکیبی شبیه ترکیب‌های شیمیایی می‌گردد. در حقیقت ایشان قانون اصلی جامعه را عدالت و قانون اصلی خانواده را عواطف می‌داند و کسی که بیش از همه این علقه را ایجاد و پایدار می‌کند نقش مادری و همسری زنان است.

ب: استاد جوادی آملی، محدوده مذکر و مؤنث بودن

استاد جوادی آملی نیز در کتاب زن در آئینه جلال و جمال که بعد از انقلاب و پس از ورود زنان به فضاهاى عمومی و اجتماعی و پیدایش شبهات جدید تدوین شده است، جایگاه کم‌نظیری را در برداشت صحیح از اسلام با نگاه عقلانی و وحیانی درباره زن ارایه داده است. برخی نکات اساسی این کتاب عبارت‌اند از:

در انسان اصالت با روح است نه جسم و روح مذکر و مؤنث ندارد.

قرآن معلم روح انسان‌هاست نه جسم آنها؛ پس تفاوتی بین زن و مرد در روح و شخصیت آنها نیست.

۱. ر. ک مطهری، یادداشت‌ها، ج ۵، صص ۳۶-۳۴.

قرآن برای تزکیه و کمال جان آدمی آمده و کمالات را تقسیم بر دو نکرده؛ پس جنسیت در

عرض بدن نیست.

در تفکر غربی، انسان به دو نوع تقسیم می‌شود؛ ولی هر دو نوع را شبیه هم فرض کرده و حکم

واحدی را در مورد آنها اجرا می‌کند. حقیقت انسان در تفکر الحادی بدن است نه روح.

اسلام روح را که اصل است به خدا نسبت می‌دهد: قل الروح من امر ربی^۱

ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها مذکر و مؤنث ندارند.

برخی زنان و مردان، توسط خدا امتحان شدند و به خاطر عفاف‌شان سربلند بیرون آمدند که

قرآن حضرت یوسف و حضرت مریم را دو نمونه معرفی می‌کند.

برخی زنان بزرگ تاریخ مانند آسیه و مادر و خواهر موسی، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی

فعال بوده و با طاغوت مبارزه کرده و از دین دفاع نمودند.

زنان در فضای خانه و جامعه وظایف تربیتی و پرورشی دارند.

ازدواج هویت دینی و الهی دارد.

رعایت حجاب حقی الهی است.

استاد جوادی آملی در باره مجموعه نگاه قرآن به زن و حقوق و تکالیفی که به صورت متوازن

برای او در نظر گرفته است می‌فرماید: در آیات قرآن کریم آمده خداوند بعضی را بر بعضی برتری

داده، البته آن بعض دیگر از جنبه‌ای دیگر بر گروه مقابل برتری دارند. نتیجه این می‌شود که هر کدام

را مسخر دیگری قرار داد، این به آن محتاج و آن به این محتاج است. و هر کدام از دیگری باید

۱. اسراء (۱۷)، آیه ۵۱.

فیض بگیرد. کسی نمی‌تواند به دلیل داشتن قدرت و امکانات استعددی یا غیره از دیگران تسخیر

یک‌جانبه طلب کند بلکه تسخیر و خدمت باید متقابل باشد تا نظام به احسن وجه اداره شود.^۱

ج: استاد مصباح یزدی؛ مبانی اخلاقی خانواده در قرآن

استاد مصباح یزدی با رویکرد اخلاقی، درباره دیدگاه دین از جایگاه زن و خانواده در جلد سوم

کتاب اخلاق در قرآن دیدگاه‌هایی را طرح می‌کنند: از نظر ایشان مهم‌ترین رابطه انسانی، رابطه فرزند

با پدر و مادر است که نماد وابستگی وجودی فرزند به والدین است.

توجه ویژه به زحمات طاقت‌فرسای مادر که فرزند را در شکم خود پرورانده و شیر داده است و

سختی‌های زیادی را متحمل شده است.

طبیعی‌ترین روابط در میان انسان‌ها، روابط همسران با هم‌دیگر است. که نیازهای جنسی و

عاطفی هم‌دیگر برطرف می‌کنند.

ازدواج دارای نوعی ارزش اخلاقی و تقدس است که نباید تنها برای ارضای شهوات و کام‌جویی

غریزی انجام گیرد.

هدف از تشکیل خانواده، بقای نسل، تشکیل جامعه سالم و تأمین سلامت روانی افراد است.

اصول زیر به عنوان مبانی حقوقی و اخلاقی خانواده در قرآن محسوب شده است:

(الف) تأمین نیازهای عاطفی؛

(ب) تأمین نیازهای جنسی؛

(ج) مشاوره در اختلاف‌ها؛

(د) سرپرستی مرد در خانواده؛

۱. جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، صص ۳۹۱-۳۹۰.

ه) صلح، سازش زن وشوهر و حکمیت بزرگان در هنگام بروز اختلافات و مشکلات در

خانواده‌ها.

در اسلام به تحکیم اساس خانواده توجه فراوان شده، از این رو طلاق امری مرجوح و مبعوض‌ترین و آخرین راه حل به حساب آمده است.

چهار توصیه مهم قرآن به زنان؛ رعایت حجاب، عدم اختلاط با مردان، رعایت حیا، عفت و وقار و متانت در هنگام سخن گفتن با مردان نامحرم است.

از آنجا که خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است، و مسایل و مشکلاتی در درون آن پدید می‌آید که می‌تواند آرامش آن را به هم بزند که از راه عواطف و مشورت با همسر نیز قابل حل و فصل نیستند، در اسلام وظیفه سرپرستی خانواده به مرد داده شده البته این بدان معنا نیست که مرد از این موقعیت سوء استفاده کند، بلکه در محدوده شرع و در چارچوب حق سرپرستی که در قانون اسلام آمده، همرا با رفتار عاقلانه باید زندگی را اداره و سرپرستی کند.^۱

د: دکتر شریعتی؛ چهره های سه گانه زنان

دکتر شریعتی نیز تحلیل های جامعه شناختی مفیدی در مورد ارزش و منزلت زن طرح می کند، او با منطقی دیدن زن مسلمان واقعی در میان زن جاهلی و مدرن در بخشی از کتاب معروف فاطمه فاطمه است می گوید: در جامعه و فرهنگ اسلامی، سه چهره از زن داریم، یکی زن سنتی و مقدس مآب، یکی چهره زن متجدد و اروپایی مآب که تازه شروع به رشد و تکثیر کرده است، و یکی هم چهره فاطمه علیها سلام و زنان

۱. مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۳، صص ۹۰-۵۱.

فاطمه وار که هیچ شباهت و وجه مشترکی با چهره ای به نام زن سنتی ندارد. سیمایی

که از زن سنتی در ذهن افراد وفادار به مذهب در جامعه ما تصویر شده است با سیمای

فاطمه (ع) همان قدر دور و بیگانه است که چهره زن مدرن، این زن سوم، زنی است که

می خواهد انتخاب کند، زنی است که نه چهره موروثی را می پذیرد و نه چهره تحمیلی

صادراتی، پست ترین و پلیدترین دشمنان انسانیت را. هردو را آگاه است و هردو را هم

می داند. آنکه به نام سنت تحمیل می شد و در جریان آن به وراثت می رسید، مربوط به

اسلام نیست. مربوط به سنتهای دوره پدرسالاریست و حتی آنچه امروز از غرب می

آید، نه علم است، نه بشریت است، نه آزادی است، نه انسانیت است و نه مبتنی بر

حرمت زن است. مبتنی بر حيله های پست قدرتهای پست انحرافی و تخدیرکننده

بورژوازی است.

ایشان در تبیین دیدگاه خویش درباره زن مسلمان می فرماید: در طول تاریخ اسلام،

هر وقت اسلام به معنای واقعی وجود داشته و اسلام بر جامعه حکومت می کرده، زنان

نیز در رشته های علمی، در مینه های ادبی و در نقشهای اجتماعی، بزرگترین استعدادها را

نشان دادند، وقتی همه کس منحنط شد، زن هم منحنط شد، آنهم از بین رفت، مگر مرد چه

حقوقی دارد، که زن ندارد؟^۱

و در جای دیگری با معرفی شخصیت حضرت زهرا س به عنوان الگوی مشخص می گوید: امروزه او (فاطمه (س)) می تواند زن را بسازد، او به عنوان یک مادر در مرحله ای که دختری چون زینب می پرورد و پسرانی چون حسن و حسین، و به عنوان یک بعددیگر، یک زن متعالی و مثالی، همسر به عنوان کسی که در سختیها، نقشها و عظمتهای علی پا به پای اوست، و همچنین به عنوان یک زن، مسئول اجتماعی، کسی که یک لحظه از مبارزه نایستاد، زنی حتی مدل دفن شدنش را می خواهد و سیله ای کند برای مبارزه در راه حق و محکوم کردن ابدی و همیشگی غضب، این است، چگونه امروز زن مسلمان بودن.^۲

ه: امام خمینی، تساوی اجتماعی زن و مرد

دیدگاه متفکران اسلامی را با سخن یکی از احیایگران معاصر حقوق زنان حضرت امام خمینی (ره) پایان می دهیم که در حقیقت امروزه دیدگاههای ایشان درباره ارزش و جایگاه زن، سخن رسمی مکتب اهل بیت ع و شیعه به حساب می آید:

^۱ - شریعتی، زن، فاطمه فاطمه است، ص ۲۳۶

^۲ - همان، صص ۲۴۰-۲۳۹

مربی انسان‌ها زن است، سعادت و شقاوت کشورها وابسته به وجود زن است، زن با تربیت مهم

خود اسلام درست می‌کند و با تربیت صحیح، کشور آباد می‌کند، زن باید مبدأ همه سعادت‌ها باشد!

ما می‌خواهیم زن در مقام والای انسانیت خودش باشد نه ملعبه در دست مردها باشد یا در دست

اراذل، آنچه دین‌گريزان برای زن قایلند چیزی جز تباهی و ملعبه شدن نیست!

چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن او مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند

کارهای دولتی انجام دهد؟ چرا با مسافرت کردن زن مخالفت کنیم؟ زن چون مرد در تمام اینها آزاد

است، زن هرگز با مرد فرقی ندارد...، زنان می‌توانند رانندگی اتومبیل بیاموزند و فنون نظامی را یاد

بگیرند. مطلوب است در نمازهای جمعه و جماعات شرکت کنند.^۳

از نظر حقوق انسانی تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در

سرنوشت خویش را همچون مردان دارد، بله در بعضی از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد

که به حیث انسانی آن‌ها ارتباطی ندارد!

اسلام زن را مثل مرد در همه شئون دخالت می‌دهد.^۴

زن باید در مقدمات اساسی مملکت دخالت کند.^۵

زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است، از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل

تربیت بزرگ‌زنان بزرگ‌مردان است.^۶

۱. همان، ج ۶، ص ۱۸۵.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۳۷.

۳. امام خمینی، سیمای زن در کلام امام خمینی، صص ۱۵۰-۱۴۹.

۴. همان، در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۶.

۵. همان، صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

۶. همان، ج ۴، ص ۶۰.

۷. همان، ص ۱۹۴.

حضرت امام خمینی (ره)، علاوه بر احیای فرهنگ دینی در دوران معاصر در عزت بخشی به زنان مسلمان در رویکردهای سیاسی و اجتماعی، در زندگی شخصی ایشان نیز چنین مرام و مشربی به چشم می خورد، در مجموعه دیده ها و خاطره های نزدیکان ایشان از رفتارهای توأم با احترام و اخلاق نسبت به خانواده و به خصوص همسرشان دال بر این قضیه است.

تحلیل پایانی نگارنده

بررسی منطقی و نظام مند تصاویر ارایه شده در دو سویه اسلام و فمینیسم، حاکی از واقعیت های متعددی است که توجه و نگاه نظام مند به آنها می تواند گره گشای برخی معضلات اجتماعی پدید آمده در دنیای زنان باشد.

ره یافت تحلیلی به مسئله زنان، موجب پدید آمدن مواجهه ای کارآمد در تمام عرصه های معرفتی بوده و باعث گشوده شدن برخی معضلات علمی و عملی، به دور از خلط و تأویل گرایی ناصواب خواهد شد.

به نظر می رسد نگاه جامع و خردورزانه با توجه به ساحت های گوناگون وجودی زنان، عوامل کامیابی و بهره وری نامناسب مکتب های جنس گرایانه را تضعیف خواهد کرد.

در هر صورت، پس از مباحث طرح شده در این نوشتار و نتایج به دست آمده از نظریات پیش گفته، در نهایت با تأمل و تطبیق آموزه های اسلام و فمینیسم، به نکات و پیشنهادهایی می توان دست یافت:

۱- فمینیسم در عین کسب موفقیت های نسبی و محدود در آغاز رویش و پیدایش خویش، در ادامه مسیر هیچ گاه حتی در دنیای غرب به عنوان یک جریان و جنبش موفق به آن نگرسته نشد. تا چه رسد به این که در کشورهای سنتی شرقی بخصوص با پسوند اسلامی بخواهد

نوزا و تحول‌آفرین باشد. چه آنکه مؤلفه‌ها و مبانی اسلام و فمینیسم از نوع تقابل متضادین

است که هیچ‌گاه اجتماع‌شان نشاید.

۲- همچنین از مجموع آنچه از تبعات و پیامدهای کنوانسیون به دست آمد، باید گفت این نه

تنها لطفی در حق زنان نبوده، بلکه باید آن را دامی پیچیده و از نوع مدرن و سازمان یافته به

حساب آورد. عهد نامه ای که با شعار دفاع از برابری جنسیتی و در طول تفکرات فمینیسمی

پدید آمد اما چالش‌هایی چند لایه را جلوی پای آنان گشود که هر چه زمان می‌گذرد، بیرون

آمدن از آن دشوار و دشوارتر خواهد شد. به گونه ای که دیدیم در کشورهای غربی نیز

مجامع دینی و مردم نهاد زبان به اعتراض و مخالفت گشودند.

۳- با همه این احوال نباید از نظر دور داشت که رویکردهای مبتنی بر فمینیسم هر چند در

جوامع غربی بخاطر بی‌انگیزگی، دوران افول و رکود خود را می‌گذراند اما در کشور های

در حال توسعه و بخصوص اسلامی به علت تاثیر پذیری از فضای مدرنیته به صورت آرام

در حال تاثیر گذاری است، که تبیین درست خاستگاه، مبانی و اهداف سیاسی، فرهنگی و

اجتماعی آن به زدودن شبهات در این باره خواهد انجامید. در غیر این صورت می‌تواند

زمینه های بی‌هویتی نسل نو و بخصوص دختران جوان مسلمان را به صورت ناخواسته

فراهم آورد.

۴- در ادبیات دینی، زنان به عنوان همسر، مدیر و به عنوان مادر، هادی خانواده‌اند و در هر دو

مورد، نقشی بی‌بدیل و موثر دارند؛ از این رو، زنان محور خانواده و خانواده اساس جامعه

است و در حقیقت سعادت و شقاوت جامعه، متفرع بر نوع مشی و نگاه زنان است که

نمونه‌های آن در طول تاریخ در هر دو دسته مثبت و منفی فراوان به چشم می‌خورد.

۵- حضور زنان در مسایل سیاسی و اجتماعی، در حد معقول و مشروط به عفاف و عدم

آسیب‌پذیری مادری و همسری آنها امری پسندیده و حتی لازم است. چه آنکه لطافت،

زیبایی و شکنندگی زنان در حوادث سخت اجتماعی و سیاسی را نباید نادیده گرفت.

۶- زنان با مردان در مسایل اعتقادی، اخلاقی و کمالات انسانی مساوی‌اند و جنسیت موجب

تحقق هیچ‌گونه تقدم و شرافتی نخواهد بود؛ اما میان آنان در عین اشتراک معنوی و انسانی،

به لحاظ جسمی و روانی تفاوت‌های متعددی وجود دارد که هم از نگاه علوم تجربی و هم

منابع دینی مؤیدات متعددی در این باره می‌توان یافت. از این رو، با توجه به این دو جنبه

اشتراک و افتراق می‌توان گفت که تعادل آری، تشابه نه! تفاوت آری، تبعیض نه!

انسان‌محوری آری، زن یا مردسالاری نه!

۷- نکته مهم و اساسی در برگیرنده نکات فوق، آن که برخی قضاوت‌های نادرست درباره نگاه

اسلام به زن، ناشی از جزئی‌نگری و عدم نگاه مجموعه‌ای و منظومه‌وار به آموزه‌های

اسلام در این باره است. که تفسیری مغالطه‌آمیز و فریبنده است. زیرا در منطق اسلام حق و

تکلیف ملازم همدیگرند اگر در یک جا زنان موظف به انجام تکالیف و التزام به شرایطی

هستند، در جای دیگر از حقوق و امتیازات مادی و معنوی متعددی برخوردار شده‌اند که

مردها از آن محروم و بی‌نصیبند. که ملاحظه همگانه آن‌ها می‌تواند به فهمی منصفانه و

منطقی درباره جایگاه و موقعیت زن در گفتمان اسلامی بیانجامد.

۸- در جامعه دینی مجموعه حاکمیت موظف است زمینه‌های رشد و تعالی زنان و دختران را در

حوزه‌های گوناگون مانند آموزش، پژوهش، ورزش و... به شرط حفظ اصول اخلاقی فراهم

کند.

فراهم آوردن زمینه‌های ازدواج و تشکیل خانواده همراه آموزش‌های لازم و مورد نیاز درباره زندگی مشترک و تربیت فرزند، به عنوان بهترین راه برای سالم‌سازی جامعه از دیگر وظایف حکومت دینی است.

۹- نخبگان زن مسلمان باید با ایجاد انجمن‌های علمی و مجموعه‌های مردم نهاد، خود را موظف بدانند با تعامل و گفت‌وگوهای مداوم، راه‌کارهایی برای تبیین مسایل مربوط به حوزه زنان، چه با نگاه اثباتی در راستای ارایه واقعیت‌های اسلام در این باره و چه سلبی در راستای نقد و رد اتهاماتی که همواره به اسلام در حوزه زنان وارد می‌کنند، به ایفای نقش پردازند.

۱۰- سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، به عنوان عالی‌ترین سازمان پیگیر مسایل و مشکلات جهان اسلام، لازم است به صورت مرتب، مسایل و حوادث پیرامون زنان مسلمان را رصد کند، به خصوص ظلم‌هایی را که در برخی کشورهای غربی علیه پوشش و فرهنگ آن‌ها صورت می‌گیرد، از این رو این سازمان می‌تواند از راه‌های دیپلماتیک به دفاع از حقوق زنان مسلمان پردازد. همان گونه که بیانیه جامع و مناسبی مبتنی بر مبانی اسلام، در رد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان صادر کرد.

پایان می‌دهیم این اثر را به جملات و اشعاری درباره جایگاه و پوشش زن نزد ایرانیان قدیم؛ چرا که هم در کتاب زرتشت و هم در تاریخ شاهان ایران باستان و هم آنچه از نقوش قدیمی ایرانی

^۱ - چرا که گاه برای دختران جوان به غلط این گونه وانمود می‌شود که زنان در ایران باستان از هرگونه محدودیت پوششی به دور

به دست آمده، حکایت از این دارد که به پوشش زنان، مخصوصاً زنان محترمه و ممتاز توجه ویژه ای

میشده که بعضی از شعرهای شاهنامه مؤید این نظر است:

زبانحال زن پرویز:

بدانگاه که من جفت خسرو بدم به پوشیدگی در جهان نو بدم

مرا از هنر موی بد در نهان که او را ندید کس در اندرجهان

نه کس موی من پیش ز این دیده بود نه از مهتران نیز بشنیده بود

سخن تهمینه همسر رستم:

به گیتی زخوبان مرا جفت نیست چو من زیرچرخ کبوداند کیست

کس از پرده بیرون ندیدی مرا نه هرگز کس آواز شنیدی مرا

منیژه همسر بیژن:

منیژه منم دخت افراسیاب برهنه ندیده رخم آفتاب

در نهایت به امید روزی که زنان در سراسر گیتی جایگاه انسانی خود را که دربردارنده تاج

کرامت الهی است دریابند و هم‌چنین زن مسلمان با فهم درست رویکرد اعتدالی و منصفانه اسلام به

مسئله حیات حقیقی و معنوی زن، اسوه و الگوی دیگر زنان عالم گردند. انشاء الله

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج الفصاحه
۳. نهج البلاغه
۴. آکین، سوزان مولر؛ زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب، ترجمه نادر نوروزی زاده، تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۳.
۵. آیت اللهی، زهرا؛ زن و خانواده، ویراست دوم (۲ جلد)، تهران: روابط شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۹.
۶. ابن سعد، ابو عبدالله محمد؛ طبقات الكبرى، ج ۸، بیروت: دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ ق.
۷. ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله؛ الهیات شفا، مقدمه ابراهیم مذکور، بیروت: بی تا.
۸. ابن سینا، حسین؛ التعليقات، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
۹. اداره امور بین المللی زنان وزارت امور خارجه؛ نقض حقوق زنان و کودکان در اتحادیه اروپا، (برگرفته از اسناد رسمی نهادهای بین المللی وابسته به سازمان ملل متحد)، زمستان ۱۳۸۷.
۱۰. ارسطو؛ اخلاق نیکو ماخس، ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۱۱. اسکویی، نسرین و انصاری، زهرا؛ هویت، تهران: ایتا، ۱۳۸۰.
۱۲. الحر العاملی، محمد بن حسن؛ وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، ج ۷، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۷۴.
۱۳. امام خمینی؛ صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران: ۱۳۸۰.

۱۴. انجمن زنان مسلمان پژوهشگر؛ آرای کمیته CEDAW، تاریخچه ملاحظات در امور

حکومتی ملت‌ها، ترجمه مریم شاعری، کتاب نقد شماره ۳۱، تهران: ۱۳۸۳.

۱۵. انجمن مادران آمریکا؛ «مقاله تهاجم به مادری، دین و حاکمیت ملی»، پایگاه اینترنتی: www.

AmericanMothers، ترجمه معصومه محمدی.

۱۶. پیس، باربارا و پیس، آلن؛ چرا مردان گوش نمی‌دهند و زنان نمی‌توانند نقشه بخوانند؟

ترجمه ناهید رشید و نسرین گلدار، تهران: پیکان، ۱۳۸۲.

۱۷. بازیس، میخیل اس و ریچارد جی. گلز؛ تبعیض جنسی، ترجمه فریبا شایگان، پیام زن، ش

۱۰۶، ۱۳۷۹.

۱۸. بدانتز، الیزابت؛ عصر تشابه جنس‌ها، ترجمه افسانه وارسته‌فر، تهران: مجله زنان، ش ۴۸،

۱۳۷۷.

۱۹. برگ، اتوکلاین؛ روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: اندیشه، چاپ

دوازدهم، ۱۳۷۲.

۲۰. بستان، حسین؛ اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری دفتر

امور بانوان وزارت کشور، ۱۳۸۸.

۲۱. بیات، عبدالرسول با همکاری جمعی از نویسندگان؛ فرهنگ واژه‌ها، تهران: مؤسسه دانش و

اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.

۲۲. پاسنو، دایانا؛ فمینیسم، راه یا بیراه؟ ترجمه محمد رضا مجیدی، قم: معارف، ۱۳۸۴.

۲۳. پیس، باربارا و پیس، آلن؛ چرا مردان به حرف زنان گوش نمی‌دهند و چرا زنان زیاد حرف

می‌زنند و بد پارک می‌کنند؟ ترجمه محسن جده دوست و آذر محمودی، تهران: فصل سبز،

۱۳۸۲.

۲۴. توحیدی، نیره؛ فمینیسم اسلامی، نشریه کنکاش، چاپ آمریکا، ۱۳۸۶.

۲۵. جگر، آیسون؛ چهار تلقی از فمینیسم، بولتن مرجع، گزیده مقالات و متون درباره فمینیسم

ترجمه س امیری، تهران، الهدی، ۱۳۷۸.

۲۶. جمشیدی و همکاران؛ جستاری در هستی‌شناسی زن، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۲.

۲۷. جمعی از نویسندگان؛ جنسیت از منظر دین و روان‌شناسی، (مجموعه مقالات)، قم: مؤسسه

امام خمینی، ۱۳۹۰.

۲۸. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم: رجاء، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.

۲۹. جیمز، سوزان؛ فمینیسم، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ترجمه عباس یزدانی، قم: دفتر

مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲.

۳۰. حسینی، سیدهدادی و همکاران؛ کتاب زن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.

۳۱. حکیمی، محمد؛ دفاع از حقوق زن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۳۲. دفتر مطالعات زنان؛ دفاع از حقوق زنان ما و نظام بین‌المللی (مجموعه مقالات)، مؤسسه

تحقیقی فرهنگی طه، تهران

۳۳. دوبوار، سیمون؛ جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، چاپ دوم، تهران: توس، ۱۳۸۰.

۳۴. دورانت، ویل؛ لذات فلسفه، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

۳۵. دولتی، غزاله و دیگران؛ بررسی مبانی فمینیسم، قم: معارف، ۱۳۸۸.

۳۶. دیلمی، حسن بن محمد؛ ارشاد القلوب، ج ۱، بی‌جا، شریف رضی، ۱۴۱۳ ق.

۳۷. رجیبی، فاطمه؛ مقاله زنان و فمینیسم، کتاب نقد شماره ۱۱، تهران: مؤسسه دانش و اندیشه

معاصر، زمستان ۱۳۷۹.

۳۸. رودگر، نرجس؛ فمینیسم تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات

زنان با همکاری سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۸.

۳۹. زیبایی‌نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمد تقی؛ درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم:

دارالنور، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۴۰. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، هویت و نقش‌های جنسیتی، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست

جمهوری، ۱۳۸۸.

۴۱. سالاری‌فر، محمدرضا؛ خشونت علیه زنان، قم: هاجر، ۱۳۸۹.

۴۲. سروریان، سیدمحمدکمال؛ افول خانواده در آمریکا و انگلیس، تهران: کتاب زنان، ش ۲۶،

سال هفتم، زمستان ۱۳۸۳.

۴۳. سیف، سوسن، و دیگران؛ روان‌شناسی رشد ۱، تهران، سمت، چاپ هشتم، ۱۳۷۷.

۴۴. شریعتی، علی، زن، فاطمه فاطمه است، تهران، بنیاد دکتر شریعتی، چ ۳۰، ۱۳۹۵

۴۵. شعیری، تاج‌الدین محمد بن محمد؛ جامع‌الخبار، قم: رضی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

۴۶. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی،

چاپ دوم، بی‌تا.

۴۷. شیلت، وندی و دیگران؛ فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ج ۱، ترجمه معصومه محمدی و

دیگران، قم: معارف، ۱۳۸۳.

۴۸. صدوق، ابوجعفر محمد بن بابویه قمی؛ من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی، چاپ

سوم، ۱۴۱۳ ق.

۴۹. طباطبایی، سید محمد حسین؛ زن در قرآن، تحقیق محمد مرادی، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار

علامه طباطبایی، ۱۳۸۴.

۵۰. طبری الامامی؛ دلائل الامامه، قم: دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.

۵۱. علاسوند، فریبا؛ زن در اسلام (۲ جلد)، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۰.

۵۲. قمی، شیخ عباس؛ سفینه البحار، قم: دارالاسوه، ۱۴۱۴ق.

۵۳. کارل، الکسیس؛ انسان موجود ناشناخته، ترجمه حمید عنایت، تهران: امیر بهادر، چاپ هشتم، ۱۳۷۸.

۵۴. کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید).

۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: دار صعب و دارالتعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ق.

۵۶. گاردنر، ویلیام؛ جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۶.

۵۷. گراگلیا، کارولین؛ آرامش در خانه فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، (ج دوم) ترجمه معصومه محمدی، قم، معارف، ۱۳۸۳.

۵۸. گرت، تونی؛ زن بودن، ترجمه فروزان گنجی زاده، تهران: ورجاوند، ۱۳۸۱.

۵۹. گری، بنوات؛ زنان از دید مردان، محمد جعفر پوینده، تهران: جامی، ۱۳۷۸.

۶۰. گری، جان؛ مردان مریخی و زنان ونوسی، ترجمه لوئیز عندلیب و اشرف عدیلی، تهران: علم، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۰.

۶۱. گنجی، حمزه؛ روان شناسی تفاوت های فردی، تهران: بعثت، ۱۳۷۰.

۶۲. گیدنز، آنتونی؛ جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۳.

۶۳. لطف آبادی، حسین؛ روان شناسی رشد ۲، تهران: سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.

۶۴. لوید، ژنویو؛ عقل مذکر، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: نی، ۱۳۸۰.

۶۵. متقی هندی، علاء الدین علی؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی و

صفوه سنا، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.

۶۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.

۶۷. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۳ق.

۶۸. مرادی، جعفر؛ فمینیسم اسلامی، مجموعه مقالات اسلام و فمینیسم، به کوشش هادی وکیلی،

قم: معارف، ۱۳۸۲.

۶۹. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه (به کوشش محسن قدیر)؛ دیدگاه‌های فقهی در خصوص

عهدنامه محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، قم: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۷۷.

۷۰. مشیرزاده، حمیرا، از جنبش تا نظریه اجتماعی (تاریخ دو قرن فمینیسم) تهران، شیرازه، ۱۳۹۰

۷۱. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن، ج ۳، قم، موسسه امام خمینی ۱۳۷۸.

۷۲. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۷۶.

۷۳. ---، ---، یادداشت‌ها، تهران، صدرا.

۷۴. مظاهری، حسین؛ خانواده در اسلام، قم: شفق، چاپ هفتم، ۱۳۷۰.

۷۵. معاونت آموزش و تبلیغ نهاد رهبری در دانشگاه، (به کوشش زهرا آیت اللهی)؛ فمینیسم و

حقوق زن، قم: ۱۳۸۹.

۷۶. معصومی، سید مسعود؛ فمینیسم در یک نگاه، قم: مؤسسه امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

۷۷. معین الاسلام، مریم؛ روان‌شناسی زن در نهج البلاغه، قم: بهشت بینش، ۱۳۸۱.

۷۸. مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.

۷۹. مکنزی، یان و دیگران؛ مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه م قائد، تهران: مرکز،

۱۳۷۵.

۸۰. مهدوی کنی، صدیقه؛ ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)،

۱۳۸۸.

۸۱. مهریزی، مهدی؛ زن در فرهنگ اسلامی، تهران: هستی نما، ۱۳۸۲.

۸۲. مهریزی، مهدی؛ شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،

چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۸۳. میشل، آندره؛ پیکار با تبعیض جنسی، ترجمه جعفر پوینده، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه،

۱۳۷۶.

۸۴. میشل، آندره؛ جنبش زنان فمینیسم، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: نیکا، ۱۳۸۳.

۸۵. نگاهی به روند جنبش جهانی زنان، کتاب نقد، شماره ۱۲، تهران: مؤسسه دانش و اندیشه

معاصر، پاییز، ۱۳۷۸.

۸۶. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسایل، ج ۱۵، قم: آل البیت، بی تا.

۸۷. هاجری، عبدالرسول و دیگران؛ بررسی سند بین‌المللی حقوق جهانی زنان کنوانسیون رفع

انواع تبعیض علیه زنان، تهران: شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۸۲.

۸۸. هاید، ژانت؛ روان‌شناسی زنان، ترجمه بهزاد رحمتی، تهران: لادن، ۱۳۷۷.

۸۹. هولم، جان، بوکر، جان؛ زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، تهران: بین‌الملل،

۱۳۸۴.

۹۰. ویلفورد، ریک؛ فمینیسم، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه م قائد، تهران: مرکز،

۱۳۷۵.